

# عدالت اجتماعی - اقتصادی

## در سخن امام علی<sup>(ع)</sup>

سید هادی حسینی

اشاره:

این بحث براساس تعالیم دین و مضمون آیات و روایات تنظیم یافته، و مسائل فقر و توسعه در نگرش اسلامی در آن مورد توجه است. اندیشه‌های سیاسی و نظریه‌های مکاتب مختلف غیر اسلامی در آن مشاهده نمی‌شود. در راستای غنای بیشتر بحث گاه به آیات قرآن، سخنان پیامبر و رهنمودهای دیگر امامان<sup>(ع)</sup> نیز استشهد شده است. امید که این شیوه بحث مورد توجه حوزویان قرارگیرد، و زمینه بیشتر برای آشنایی با مبانی اصیل دین را فراهم آورد، و بررسی‌های گسترده‌تر و ژرف‌تر در این زمینه‌ها انجام گیرد و آموزه‌های قرآنی و حدیثی که در غوغای اندیشه‌های وارداتی مورد غفلت واقع شده‌اند، بویابی و به‌روزبودن خود را بنماید، و هر نسلی فراخور ظرفیتهای فکری خود، پاسخهای مسائل فردی و اجتماعی را در آنها بجوید و از اقبانوش بیکران و بطون معارف اهل بیت<sup>(ع)</sup> بهره‌مند شود و مردمان با افزایش سطح آگاهیها و دانش پژوهی به متون قرآنی و حدیثی توجه کنند، و آن را اصل و محور قرار دهند و با پرتوهای نورانی قرآن و عترت حجابهای تاریکی را که فراروی آدمی قرار گرفته است به کناری زنند و به حل مشکلات و ناسامانیهای فردی و اجتماعی به گونه‌ای اساسی نایل آیند.

عدالت ریشه در سرشت انسانها دارد و در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی همگان خواهان حاکمیت عدالتند.<sup>۱</sup> عدل و جور (همانند حق و باطل) ضد همند،<sup>۲</sup> و برای دستیابی به عدالت لازم است ریشه‌های ظلم و ستم از بن برآید<sup>۳</sup> و دادگری و انصاف<sup>۴</sup>

۱ - امام صادق<sup>(ع)</sup>: ثلاثة أشياء يحتاج الناس طرأ اليها... العدل (الحياة ۴۱۳/۶). سه چیز است که همه مردم به آن نیاز دارند: یکی از این سه عدالت است.

۲ - امام علی<sup>(ع)</sup>: الجور مضاف العدل (همان ۳۳۸/۶). ستم، ضد عدالت است.

۳ - امام علی<sup>(ع)</sup>: من لوازم العدل، التناهی عن الظلم (همان ۳۴۷/۶). از لوازم عدل این است که از ظلم خودداری شود.

امام علی<sup>(ع)</sup>: رحم الله امره احبى حقاً و اماناً باطلاً و ادحض الجور و اقام العدل (میزان الحکمة ۷۷/۴). خداوند رحمت کند کسی را که حقی را زنده سازد و باطلی را نابود کند و ستم را از بین ببرد و عدل را استوار دارد.

۴ - امام علی<sup>(ع)</sup> در تفسیر آیه «ان الله يامر بالعدل» (همانا خدا به دادگری دستور می‌دهد) می‌گوید: فالعدل الاتصاف (همان ۸۲/۶). مراد از عدل (در این مورد) انصاف است.





فراگیر شود، و خواسته‌های بحق مردمان تأمین گردد.<sup>۱</sup>

برای این که بحث «عدالت اجتماعی - اقتصادی در سخن امام علی (ع)» روشن شود، نخست ضرورت حاکمیت عدل در جامعه یادآوری می‌گردد، سپس قلمرو عدالت اجتماعی بازگو می‌شود و سرانجام «سازوکارهای تحقق عدالت اجتماعی - اقتصادی» پایان بخش این نوشتار است.

## ۱ - ضرورت حاکمیت عدالت

### ۱. عدالت نیاز همه مردمان و پایه دین

عدالت این گواراترین جوهر حیات،<sup>۲</sup> به عنوان یک نیاز اساسی و خواست همه مردمان در جوامع بشری مطرح بوده، هست و خواهد بود.<sup>۳</sup> عدالت را می‌توان از امور محوری در حکومت دینی،<sup>۴</sup> و از ارکان دین دانست؛<sup>۵</sup> چه حیات ارزشهای دینی و هدایت‌های دین با آن معنا و مفهوم می‌یابد،<sup>۶</sup> و در پرتو آن شکوفا می‌شود و نقش سازنده خود را در اصلاح فرد و جامعه و زیست درست و هدفدار آدمی می‌نمایاند.<sup>۷</sup> با عدالت می‌توان

حق را استوار ساخت،<sup>۸</sup> و با عمل به حق به معیار اجرای عدالت دست یافت،<sup>۹</sup> و به صراط پرهیزگاری راه یافت<sup>۱۰</sup> و رتبه‌های ایمان را پیمود<sup>۱۱</sup> و به کمال رسید. عدالت محوری پیروی از قانون عام آفرینش است؛<sup>۱۲</sup> چنانکه سیره انبیاست و عصاره پیام و رسالت همه مصلحان برای رستگاری و سعادت آدمی.<sup>۱۳</sup>

- ۱ - امام صادق (ع): «... أن فی ولاية والی العدل و ولائته، احياء كل حق و كل عدل، و امانة كل ظلم و جور فساد...» (الحیة ۴۰۷/۶). در ولایت حاکم عادل و کارگزاران او هر آنچه حق است و عدل زنده می‌شود و بالندگی می‌یابد، و ظلم و ستم و فساد نابود می‌گردد.
- ۲ - امام صادق (ع): العدل اهل من الماء یصبه الثمان (همان ۳۲۵/۶). عدل گواراتر از آبی است که انسان تشنه می‌یابد. امام کاظم (ع): ان العدل اهل من العسل (همان ۳۳۳/۶). همانا عدل از عسل شیرین تر است.
- ۳ - امام علی (ع) به روایت امام صادق (ع): «در رهنمودی به عمرین خطاب ثلاث ان حفظتهن و عملت بهن کفتاک ماسواهن، و ان ترکتهن لم یمنفک شیء سواهن... اقامة الحدود علی القرب و البعد و القسم بالعدل بین الاحمر و الاسود. سه چیز است که اگر آنها را در نظر داشته باشی و به آنها عمل کنی، تو را از پرداختن به چیزهای دیگر بی‌نیاز می‌کنند، و اگر آنها را فروگذاری، چیز دیگر برای تو سودی نخواهد داشت... برپاداشتن حدود بر کسان دور و نزدیک... و تقسیم کردن عادلانه اموال میان سرخ و سیاه» (ترجمه الحیة ۷۱۵/۳).
- ۴ - امام علی (ع): العدل نظام الامرة (الحیة ۳۲۸/۶). عدالت، نظام بخش حکومت است. امام علی (ع): لیکن مرکب العدل، فمن رکیه ملک (همان) مرکبها (و ابوابها) حکومت (مشروع و مقبول همگان)، عدالت است.
- ۵ - امام علی (ع): «الایمان علی اربع دعائم: علی... العدل. ایمان بر چهار ستون تکیه دارد... عدل (یکی از آنهاست)» (ترجمه الحیة ۲۶۸/۶).
- ۶ - امام علی (ع): العدل حياة الاحکام (الحیة ۴۰۴/۶). عدل (زمینه‌ساز) حیات احکام است.
- ۷ - امام علی (ع): جعل الله سبحانه، العدل قواماً للامم (همان). خدای سبحان عدل را پایه قوام آدمی قرار داده است.
- ۸ - امام علی (ع): ان العدل میزان الله، الذی... نصبه لاقامة الحق (همان ۴۰۳/۶). همانا! عدالت میزان خداست که برای اقامه حق آن را برپا داشته است.
- ۹ - امام علی (ع): الحق منجاة لكل عامل (میزان الحکمة ۴۶۴/۲). حق وسیله‌ای نجات‌بخش است، هر کس بدان عمل کند نجات می‌یابد.
- ۱۰ - امام عسکری (ع): ما ترک الحق عزیز الا ذل، و لا اخذ به ذلیل الا عز (همان ۴۶۶/۲). هیچ عزیزی حق را ترک نکرد مگر آن که به ذلت افتاد، و هیچ ذلیلی آن را نگرفت مگر آن که به عزت رسید.
- ۱۱ - اعدلوا هو اقرب للتقوی (ماتده/۸). عدالت بپوریزد، که سازگار با تقواست.
- ۱۲ - پیامبر (ص): جماع التقوی فی قوله تعالی «ان الله یامر بالعدل و الاحسان...» (مستدرک ۲۶۶/۱۱). آیه «همانا خدا (مردمان) را به عدل و احسان و فرا می‌خواند»، همه اصول و معیارهای تقوا را خود گرد آورده است.
- ۱۳ - امام علی (ع): العدل... اعلى مراتب الايمان (الحیة ۴۰۳/۶). عدالت بالاترین مراتب ایمان است.
- ۱۴ - امام علی (ع): فی العدل الاقتداء بسم الله (همان ۳۳۰/۶). پیروی سنت خدا در عدالت است.
- ۱۵ - امام باقر (ع): در جواب راوی که از سیره پیامبر می‌پرسد، می‌گوید: «... استقبال الناس بالعدل و كذلك القائم (ع)» (همان ۳۵۹/۶). پیامبر (ص) مردم را به سوی عدالت سوق داد، و امام مهدی (ع) نیز چنین کند.



## ب. عدالت و توسعه

با حاکمیت همه جانبه عدالت، توده مردم سطح زندگی مطلوب می‌یابند، رفاه اجتماعی - اقتصادی عاید همگان می‌شود، و زمینه برای بالندگی و شکوفایی استعدادها فراهم می‌گردد.<sup>۲</sup> و به این ترتیب با گسترش خلاقیتها و مشکل‌زدایی و رفع نیازها رشد، پیشرفت و آبادانی و سازندگی جامعه را فرامی‌گیرد،<sup>۳</sup> و انسانها می‌توانند با بهره‌مندی از امکانات مطلوب و کارساز، از نابسامانیها نجات یابند و بر دشمنان سیاسی - اقتصادی چیره گردند.<sup>۴</sup>

## ج. عدالت و اصلاحات اجتماعی

جامعه بشری با عدالت قوام پایسته خود را می‌یابد،<sup>۵</sup> و به صلاح و سعادت می‌رسد،<sup>۶</sup> حاکمیت عدالت در جامعه، انسانها را از پیروی روشهای نادرست برای سامانیابی بی‌نیاز می‌گرداند،<sup>۷</sup> و از ورطه هلاک‌کننده نادرستیها و دغلاکاریها می‌رهاند.<sup>۸</sup> حضور فعال عدالت در تار و پود جامعه و در پیدا و پنهان روابط اجتماعی، از عوامل اصلی انسجام اجتماعی است؛<sup>۹</sup> چه با کاهش اختلاف فاحش درآمدها، جلوگیری از گسترش فاصله فقر و غنا، که با اجرای عدالت عملی می‌شود، فرصتهای رشد و تعالی برای همگان پدید می‌آید،<sup>۱۰</sup> ناامنیها، اضطرابیها، شورشها و آشوبها کاستی می‌پذیرد، عصیانها فرومی‌نشیند،<sup>۱۱</sup> مردمان آرامش می‌یابند،<sup>۱۲</sup> فرهنگ عذوفت و احترام به یکدیگر جانشین پرخاشگریهها، کشمکشها و کینه‌توزیها می‌شود، دلها به هم نزدیک می‌شوند، و جان و روان مردم پیوند و همبستگی فطری خود را باز می‌یابد و بدین گونه وفاق ملی و الفت و انس اجتماعی شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد.<sup>۱۳</sup>

## د. عدالت و نظام سیاسی

عدالت در نظام سیاسی - اجتماعی از اساسی‌ترین عنصرهاست.<sup>۱۴</sup> نظامی پایدار می‌ماند و پشتوانه مردمی می‌یابد؛ که بر اساس عدالت سامان یابد؛<sup>۱۵</sup> چه تنها انسانهای عدالت محور، می‌توانند با معیار بی‌بدیل عدل<sup>۱۶</sup> و بدور از توجیهات ناروا،<sup>۱۷</sup> نارساییها را به

- ۱ - امام صادق (ع): ان الناس يستغنون اذا عدل بينهم (همان ۱۸۹/۵)، مردمان بی‌نیاز می‌شوند آن‌گاه که عدالت بین آنها حاکم شود.
- ۲ - امام علی (ع): بالعدل تنضاعف البركات (الحياة ۳۳۲/۶)، با حاکمیت عدالت بهزیستی و رفاه اقتصادی چندبرابر می‌شود و فرزونی می‌گیرد.
- ۳ - امام علی (ع): ماعمرت البلدان بمثل العدل (همان ۴۰۸/۶)، هیچ ساز و کاری مانند عدالت نمی‌تواند جامعه را آباد سازد.
- امام علی (ع): من عدل فی البلاد، تشرالله علیه الزحمة (همان ۳۳۲/۶)، هر نظام سیاسی که عدالت را در جامعه حاکم سازد، خداوند رحمت خود را بر آن می‌گسترده (که لازمه آن فرزونی انواع امکانات و نعمتهاست).
- ۴ - امام علی (ع): اجعل... العدل سيفك، تنج من كل سوء، وتظهر على كل عدو (همان ۳۳۰/۶)، عدل را شمشیر بپوش و از هر نابسامانی نجات می‌یابی و بر هر دشمنی چیره می‌شوی.
- ۵ - امام علی (ع): العدل قوام الزعينة (همان ۴۰۴/۶)، قوام جامعه به عدل است.
- ۶ - امام علی (ع): الزعينة لا يصلحها الا العدل (همان ۴۰۰/۶)، اصلاح واقعی، سازنده و سامان انسانها تنها در پرتو عدالت عملی است.
- ۷ - امام علی (ع): العدل يريح العامل به من تقليد المظالم (همان ۳۳۲/۶)، آن‌که عدالت را معیار اصلاحگری قرار دهد و شیوه خود سازد، از پیروی روشهای ظالمانه و نادرست بی‌نیاز می‌شود (و آسوده و راحت است).
- ۸ - امام علی (ع): ... والستكم العافية من عدلي... (همان ۳۳۷/۷)، با آیین عدالت آفتهای اقتصادی - اجتماعی را از میان شما زده دم و زیست سالم را حاکم ساخته.
- ۹ - حضرت فاطمه (س): «... والعدل تنسيقاً للقلوب. عدالت مایه پیوند یافتن دلها (و تحکیم روابط اجتماعی) است.» (عصر زندگی ۶۴/)
- ۱۰ - امام علی (ع): صلاح الزعينة العدل (الحياة ۴۰۰/۶)، صلاح و سامان انسانها در عدالت است.
- ۱۱ - امام علی (ع): الزعينة سواد يستمدهم العدل (همان ۴۰۶/۶)، توده انسانها را حضور و حاکمیت عدالت رام می‌سازد، و آنها را وامی‌دارد در برابر عدالت تسلیم شوند و به حق خویش بسنده کنند.
- ۱۲ - حضرت فاطمه (س): «... والعدل تسكيناً للقلوب (همان ۴۰۵/۶)، خداوند (اجرای) عدالت را مایه آرامش دلها قرار داده‌است.
- ۱۳ - حضرت فاطمه (ع): «... و العدل فی الاحكام ایتناً للزعينة (همان ۴۰۸/۶)، عدالت در قضاوت سبب انس و الفت مردمان است.
- ۱۴ - امام علی (ع): كفى بالعدل سائساً (همان ۴۰۵/۶)، برای سیاست و اداره جامعه، عدالت پس است.
- ۱۵ - امام علی (ع): اعدل! تدم لك القدرة (همان ۳۲۸/۶)، عدالت بویز تا قدرت ادامه یابد.
- امام علی (ع): ما حضن الدول بمثل العدل (همان ۳۳۰/۶)، هیچ چیز همانند عدل، دولتها را حفظ نمی‌کند.
- ۱۶ - امام علی (ع): «... ليس في الجور عوض من العدل (همان ۳۳۸/۶)، جور و ستم، بدل عدل نیست (با ستم نمی‌توان به فواید و پیامدهای مثبت ناشی از حاکمیت عدالت دست یافت).



سامان رسانند و ریشه‌های ظلم و ستم را که عامل نابودی تمدن‌ها و دولتهاست<sup>۱</sup> و مانع بزرگ سعادت و پیشرفت آدمی در عرصه‌های مختلف زندگی است،<sup>۲</sup> بسوزانند و دشمنان داخلی و خارجی را از پای درآورند.<sup>۳</sup>

بدنیسان بروشنی می‌توان دریافت که اجرای عدالت در جامعه یک ضرورت است<sup>۴</sup> و همه وظیفه دارند عدل را بشناسند<sup>۵</sup> و از چگونگی عدالت‌ورزی و تحقق عدل در جامعه آگاه گردند.<sup>۶</sup> و آن‌جا که عدالت قربانی بطلبد و زورگوییها و بیدادها چاره‌ای جز جنگ و خونریزی باقی نگذارند، برای اقامه قسط بپا خیزند.<sup>۷</sup> با آنان که به باطل گرایش یافته‌اند و آدمی را به بردگی گرفته‌اند و استثمار می‌کنند، مبارزه کنند<sup>۸</sup> و حقوق مظلومان را از ظالمان و رفاه‌طلبان انحصاری بازپس گیرند<sup>۹</sup> و به حیات آدمی جان بخشند<sup>۱۰</sup> و عرصه را برای زیست آزاد و آباد برای همه مردمان آماده سازند.<sup>۱۱</sup>

## ۲ - قلمرو عدالت‌ورزی

دامنه عدالت گسترده‌است، و همه ابعاد کوچک و بزرگ زندگی را دربر می‌گیرد<sup>۱۲</sup> از این‌رو تعیین قلمرو خاص برای آن دشوار است.<sup>۱۳</sup> عدالت در حکومت، قضاوت، روابط اجتماعی و... بخشی از افق بیکران عدالت را می‌نمایاند. نمونه‌هایی از این بسیار در بحث فشرده زیر، گویای گستره بحث عدالت است.

### ۱. عدالت در خداشناسی

عدالت در خداشناسی متره‌ناستن خداوند از نارواهاست،<sup>۱۴</sup> یا بد باور داشت که خداوند عادل، ظلم به کسی نکرده‌است و نمی‌کند.<sup>۱۵</sup>

- ۱۷ - امام علی (ع): اجور الناس من عد جوره عدلاً منه (الحیة ۳۵۰/۶). ستمکارترین مردمان آنانند که ستمگری خود را عدالت می‌شمارند.
- ۱ - امام علی (ع): ... من عمل بالجور، عجز الله هلکه (همان ۳۲۹/۶). هر حکومتی که راه بی‌عدالتی و ستمگری را در پیش گیرد و برنامه کاری خویش سازد، در نابودی خود شتاب کرده‌است.
- امام رضا (ع): اذا جار السلطان، هانت الذلولة (همان ۳۵۲/۶). زمانی که سلطان ستم ورزد، دولت و حکومتش خوار می‌شود (محبوبیت مردمی خود را از دست می‌دهد).
- ۲ - امام علی (ع): الظلم ام الزنازل (میزان الحکمة ۵۹۵/۵). ظلم، مادر همه زلتهاست.
- امام علی (ع): الظلم ... يهلك الامم (همان‌جا). ستمگری جوامع را نابود می‌سازد.
- ۳ - امام علی (ع): وبالسيرة العادلة يُقهر المناوي (تمام نهج البلاغه / ۱۵۲). با سیره عادلانه می‌توان بر دشمنان چیره‌گشت.
- ۴ - امام علی (ع): دولة العدل من الواجبات (الحیة ۳۲۸/۶). تشکیل نظام سیاسی که بتواند عدالت را در جامعه حاکم سازد، از واجبات است.
- ۵ - امام صادق (ع): ... فمما فيه صلاح دينه... معرفة الواجب عليه من العدل على الناس كافة (همان ۳۵۵/۶). از جمله عوامل سلامت و صلاح دین این است که هرکس نسبت به دادگری میان مردمان شناخت کافی بیابد.
- ۶ - امام کاظم (ع): لا يمثل الآمن بحسن العدل (همان ۳۴۶/۶). آنگونه که باید نمی‌تواند عدالت را تحقق دهد، مگر کسی که آن را نیکو بداند.
- ۷ - پیامبر (ص) به روایت امام کاظم (ع): يتس القوم قوم لا يقومون لله تعالى بالقسط. (همان ۳۶۸/۵) بد مردمی‌اند آنان که - خداپسندانه - برای اقامه قسط قیام نمی‌کنند.
- ۸ - و مالکم لا تقولون فی سبیل الله و اللّٰمستضعفين من الرجال والنساء والولدان؟ الذين يقولون: ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها... (نساء/۷۵). چه‌تان شده‌است که در راه خدا و (برای نجات) مظلومان و کودکان مستضعف کلوا و زار نمی‌کنید که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این آبادی که مردم آن ستمکارند بیرون بر.
- ۹ - پیامبر (ص) ... من اخذ للمظلوم من الظالم، كان معي في الجنة مصاحباً (الحیة ۳۴۶/۶). هرکس حق مظلومی را از ظالمی باز ستاند، در بهشت همراه و هم‌صحبت من خواهد بود.
- ۱۰ - امام علی (ع): العدل حياة (همان ۳۲۷/۶). حیات واقعی آدمی در عدالت است.
- ۱۱ - امام صادق (ع) درباره این آیه که «اعلموا ان الله يحيي الارض بعد موتها» (بدانید که خداوند زمین را پس از مرگ آن زنده می‌کند) می‌گوید: العدل بعدالجور (همان). (مراد از احیای زمین پس از مرگش) فراگستری عدالت است بعد از جور و ستم (و ظلمی که با آن حیات واقعی همه چیز به نابودی گراییده‌است).
- ۱۲ - امام صادق (ع): ... ما اوسع العدل اذا عدل فيه (همان ۴۰۵/۶). چقدر عدالت دامنه گسترده دارد!
- ۱۳ - امام صادق (ع): تبع حکيم حکيماً سبع مائة فرسخ، فی سبع كلمات، فمتها انه سأل: ما اوسع من الأرض؟ قال: العدل اوسع من الأرض (همان). حکیمی برای یافتن پاسخ هفت سؤال، هفتصد فرسخ به دنبال حکیمی راه پیمود. از جمله این که پرسید: وسعت چه چیزی از زمین بیشتر است؟ وی گفت: عدل وسیعتر از زمین است.
- ۱۴ - امام علی (ع): ... والعدل ان لا تتهمه [الله] (همان ۳۶۱/۶). عدل این است که انسان خدا را متهم نسازد (و نارواها را به خدا نسبت ندهد).
- ۱۵ - ان الله لا يظلم الناس شيئاً (یونس ۴۴/۶). همانا! خداوند در هیچ زمینه‌ای به مردم ستم نمی‌کند.



از آثار این بینش این است که فقر و غنای موجود در جوامع و محرومیت‌های طاقت‌فرسا و اختلاف فاحش طبقاتی را نمی‌توان خواست خدا دانست، و آنچه را معلول علل و عوامل طبیعی و اجتماعی است با بدآموزی به خدا نسبت داد.<sup>۱</sup>

## ب. عدالت در حکومت

عدالت در حکومت استفاده از معیار عدل در برنامه‌ریزیها و سیاست‌گذاریهاست.<sup>۲</sup> دستیابی به اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باید با محوریت عدالت انجام گیرد.<sup>۳</sup> بر این اساس اموال و امکانات عمومی جامعه باید بطور مساوی بین همگان تقسیم شود.<sup>۴</sup> حقوق ضعیفان از قدرتمندان ستانده شود،<sup>۵</sup> بر کسی ستم نرود،<sup>۶</sup> ظالمان میدان نیابند و در ذلت افتند<sup>۷</sup> و برای مظلومان دادستانی شود.<sup>۸</sup> با زارها و قیمت‌ها روند صحیح و معقول یابد و شیوه دادوستد عادلانه گردد.<sup>۹</sup> در نظام قضایی فرهیختگان عادل و نفوذناپذیر به کار گمارده شوند،<sup>۱۰</sup> و در صلح<sup>۱۱</sup> و جنگ،<sup>۱۲</sup> عدالت ملاک قرار گیرد.

ان الله لا يظلم من قال ذرة (نساء/۴۰). خدا به اندازه ذره‌ای (به کسی) ظلم نکرده است.

۱ - امام کاظم (ع): ان الله لم يترك شيئاً من صنوف الأموال الا وقد قسمه، واعطى كل ذي حق حقه الخاصة والعامة، والفقراء والمساكين وكل صنف من صنوف الناس... لو عدل في الناس لاستغنوا (الحياة/۳۴۵/۶). خدا انواع مختلف امکانات و اموال را تقسیم کرده است، و حق هر صاحب حقی را داده است، برای هر صنفی از مردمان (افراد خاص و عموم مردم، فقیران، بی‌توانان) حق و حقوقی مشخص کرده است... اگر به عدالت رفتار شود همه مردمان بی‌نیاز می‌شوند.

۲ - امام علی (ع) (در عهدنامه مالک): «... وليكن أحب الامور اليك أوسطها في الحق وأعنها في العدل... و باید که محبوبترین چیزها در نظر تو آن باشد که در معیار حق حالتی میانه داشته باشد، و از نظر عدالت همگان را شامل شود» (ترجمه الحياة ۷۲۲ - ۷۲۲/۲).

۳ - امام علی (ع): ملاك السياسة العدل (الحياة/۳۲۹/۶). ملاک سیاست عدل است.

۴ - امام علی (ع): «واعطيت كما كان رسول الله (ص) يعطى بالتوية ولم أجعلها (أموال) دولة بين حقوق الأغنياء. چون پیامبر (ص) (بیت‌المال را) برابر (به همه) می‌دهم، و آنان را ویژه اغنیاء نمی‌سازم» (عصر زندگی/۱۶۴).

۵ - پیامبر (ص) به روایت امام علی (ص): «ان تقدس امة لا يؤخذ للضعف فيها حقه من القوى غير متمتع. امتی که ضعیف آن نتواند حق خویش را بی‌لکنت زبان از قوی بگیرد، قابل احترام نیست.» (ترجمه الحياة ۱۱/۲ - ۱۱۰).

پیامبر (ص): أمرت أن أخذ الصدقة من اغنيائكم فأردتها في فقرائكم (مسندک/۱۰۵/۲). من دستور دارم زکات (و مالیات) را از ثروتمندان بگیرم، و آن را به فقیران بازگردم (مأموریت من فقرزدایی بر اساس مالیات‌ستانی از توانمندان است).

امام علی (ع): «الدليل عندى عزيز حتى أخذ الحق له، والقوى عندى ضعيف حتى أخذ الحق منه. ذلت وسيدگان در نزد من عزیزند تا حق آنان را برایشان بازستانم، و قدرت‌یافتگان در نزد من ناتوانند تا حق (محرومان) را از حلقوم آنان بیرون کشم.» (ترجمه الحياة ۲/۲ - ۴۱).

۶ - امام علی (ع): «... و سلكت الحق من نهجه... لا ظلم منكم مسلم ولا منافق. اگر راه حق را از طریق روشن آن پیموده بودید... و بر هیچ مسلمان و غیر مسلمانی ستم نمی‌رفت.» (عصر زندگی/۲۸ - ۱۲۷).

امام علی (ع): يؤخذ به [رئيس المجتمع] للضعيف من القوى، حتى يستريح به، ويستريح من قاجر (الحياة/۳۵۷/۴). چاکم (و دولت) اسلامی باید حقوق ضعیفان و ناتوانان را از قدرتمندان بازستاند، تا صالحان آسایش و امنیت یابند و از جنگال فاسقان رها شوند.

۷ - امام رضا (ع): من أعان ظالماً فهو ظالم و من حذل ظالماً فهو عادل (میزان الحكمة/۵/۶۱۳). هرکس ستمگری را مدد رساند، ظالم است و هرکه ظالمن را بکوبد، عادل است.

۸ - امام علی (ع): أحسن العادل اعانة المظلوم (همان/۶۱۴/۵). نیکوترین عدالت کمک به مظلومان است.

۹ - امام علی (ع): «... وليكن البيع بيعاً سمحاً: بموازين عدل، و اسعار لا يرفع بالفریقين، من البائع والمبتاع. معامله باید سهل و آسان و با میزان عدالت انجام گیرد و با نرخهایی صورت گیرد که به هیچیک از خریدار و فروشنده اجحاف نشود.» (معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی/۷۷).

۱۰ - ان الله يأمرکم... اذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل... (نساء/۵۸). دوری به عدل بین مردمان دستور خداست (و تکلیفی واجب بر عهد حکامان).

امام علی (ع) (در عهدنامه مالک): «ثم اختر للحکم بین الناس أفضل رعیتک فی نفسك ممن لاتضیق به الامور، و لاتمحهک الخصوم، و لا یتامد فی الزلّة، و لا یحصر من الفیء الی الحق اذا عرفه، و لاتشرف نفسه علی طمع، و لا یتکفی بادی فیهم دون انصاء، و أوقفهم فی الشبهات و أخذهم بالحجج، و أقلهم تبرماً بمراجعة الخصم، و اصبرهم علی تکشف الامور، و اصبرهم عند انشاح الحکم: ممن لا یزدهه اطراء و لا یستمله اغراء... برای قضاوت و دوری میان مردم نیکوترین رعیت را در نظر خود برگزین: کسی که کارها او را در تنگنا قرار نمی‌دهد، و مخصوصه طرفین دعا او را به خشم و لجاج بر نمی‌انگیزد، و بر خطا اصرار نمی‌ورزد، و از تحقیق بسیار برای فهم موضوع خودداری نمی‌ورزد: کسی که در شبهه‌ها بیشتر توقف کند، و بیشتر در پی به دست آوردن برهان و حجت باشد، و از مراجعه خصم خسته نشود، و برای دریافت حقیقت امور بسیار بردبار باشد، و چون حکم روشن شد قاطعانه دوری کند، و خوشامدگویی و فریبکاری او را از راه به در نبرد...» (ترجمه الحياة ۷۰۴/۲).

۱۱ - فاضلوا بینهما بالعدل (حجرات/۶). بین دو گروه، صلح را عادلانه برقرار سازید.

۱۲ - و لا یجرمنکم شأن قوم علی أن لاتعدلو (مائده/۸). می‌داند! دشمنی با گروهی شما را به بی‌عدالتی یا دارد.

امام علی (ع): اعدل فی العدو و الصدیق (الحياة/۳۲۲/۶). در حق دشمن و دوست به عدالت رفتار کن.



## ج. عدالت در گفتار، عمل و ارائه خدمات

عدالت در گفتار حق‌گویی است، اگرچه برای انسان زیان‌آورد<sup>۱</sup> و خطر جانی بیافریند.<sup>۲</sup> عدالت در عمل - که خود نشانه خردمندی است - در کاربرد شیوه‌های عادلانه در زندگی شخصی و روابط اجتماعی نمود می‌یابد.<sup>۳</sup> (انجام اعمال عبادی)<sup>۴</sup> ارائه خدمات اجتماعی<sup>۵</sup> و آموزشی<sup>۶</sup> نیز باید براساس عدالت صورت گیرد. عدالت در مصرف با پرهیز از حرام<sup>۷</sup> و اسراف و دوری از خست<sup>۸</sup> و هرنوع رفتار عملکرد ناروا است.<sup>۹</sup> عدالت نسبت به خود، بیداری وجدان است و نهادهای ساختن عدل در جان و مبارزه با خواهشها و هواهای نفسانی.<sup>۱۰</sup> رعایت عدالت در خانواده و بین فرزندان،<sup>۱۱</sup> زندگی زناشویی،<sup>۱۲</sup> فامیل و بین دوستان نیز در دین تأکید

۱ - اذا قلتم فاعدلوا و لو كان ذا قریبی (انعام/۱۵۲). به عدالت سخن بگویید؛ اگر چه به زیان نزدیکان و خویشاوندانان بینجامد.

امام علی (ع): «خض الفمرات للحق، حیث كان. به خاطر حق، در هر جا باشد، خویشتن را به کام آواج سهمگین درافکن.» (ترجمه الحیة/۲: ۳۸۳).

امام صادق (ع): «مرحباً بالقائلین عدلاً (وافی/۵۸۳/۷). درود بر آنان که به عدل سخن می‌گویند، (و داوریشان عادلانه است).

امام صادق (ع): «اعلم انه لا یقبل الله منك شیئاً حتی تقول قولاً عدلاً (وسایل/۹۱/۱). بدان که خدا هیچ چیز (و عمل بایسته‌ای) را از تو نمی‌پذیرد مگر این که به عدل سخن بگویی.

۲ - امام علی (ع): «... و ما اعمال البز کلها، و الجهاد فی سبیل الله، عند الامر بالمعروف والنهی عن المنکر، الکنفنة فی بحر لخی... و افضل من ذلک کله کلمة عدل عند امام جائر (الحیة/۳۳۷/۶). همه کارهای نیک، و جهاد در راه خدا در برابر امری‌معروف و نهی‌ازمنکر مانند دمیدنی (و فوتی) است در دریای متلاطم و برتر از همه اینها، سخن عدلی است در تزد فرمانروای ستمگر.

۳ - امام علی (ع): «من علامات العقل، العمل بسنة العدل (همان/۳۳۲/۶). از نشانه‌های عقل این است که انسان شیوه‌های عادلانه را (در زندگی) به کار بندد.

۴ - امام صادق (ع): «اول ما یظهر القائم من العدل ان ینادی متادیه ان یسلم صاحب النافلة لصاحب القریضة، الحجر الأسود و الطواف (وافی/۸۳۳/۱۳). نخستین اقدامی که امام زمان (عج) برای آشکارسازی عدالت انجام می‌دهد، این است که منادی وی بانگ می‌زند کسی که حج او مستحبی است، حجراً‌الأسود و طواف را به کسانی که حج واجب دارند وانهد. (کسی که حج واجب را انجام داده به حج نرود تا آنان که حج واجب دارند بتوانند حجراً‌الأسود را لمس کنند، و طواف دیگر اعمال حج را به درستی انجام دهند).

۵ - ولیکتب بینکم کاتب بالعدل (بقوه/۲۸۲). (در معاملات، قراردادها، امور اداری و...) باید نگارنده، عادلانه اسناد را تنظیم کند.

امام علی (ع): «العدل افضل سجیة (الحیة/۳۳۲/۶). عدل والاترین خصلتهاست.

۶ - امام صادق (ع): «... و من العلماء من یری ان یضع العلم عند ذوی الثروة و الشرف و لایری له فی المساکین وضعاً، فذلک فی الذکر الثالث من الثار... بعضی از عالمان علم خود را به دارندگان مال و شرف می‌آموزند و محلی برای علم در میان ناتوانان نمی‌شناسند؛ جایگاه اینان در قمر سوم دوزخ است...» (ترجمه الحیة/۲: ۴۸۲-۸۳۲).

امام صادق (ع): «در تفسیر آیه «و لاتصمر خذک للناس - لقمان/۱۸» (متکبرانه از مردمان روی برتاب) می‌گوید: لیکن الناس عندک فی العلم سواء (وافی/۱۷۶/۱). باید به مردمان در علم آموزی یکسان بنگری (و در آموزش به عدالت رفتار کنی).

۷ - طهر ما کلتک، و لاتدخل فی بطنک الحرام (وسایل/۱۷۶/۴). مصرف را پاکیزه گردان و حرام مخور.

۸ - والذین اذا اتفقوا لم یسرفوا و لم یقرتوا، و کان بین ذلک قواماً (فرقان/۶۷). انسانهای برگزیده و فرهیخته (آنانند که در هزینه‌ها نه اسراف می‌کنند و نه خست می‌ورزند، چه قوام زندگی بین این دو است).

امام علی (ع): «علیک بترك الشرف و الاسراف، و التخلق بالعدل و الاتصاف (الحیة/۳۱۲/۶). بی‌توبیاد، ترک هدردهی (اموال) و اسرافکاری، و آراستگی به عدل و انصاف.

۹ - امام سجاده (ع): «و نهی من - سنة المسرفین (صحیفة سجاده/۳۴۶). خدایا مرا از خواب مسرفان بیدار کن.

معتب می‌گوید: امام کاظم (ع) زمان بزرگداشت محضول<sup>۱۳</sup> به ما دستور می‌داد که آن را به بازار ببریم و بفروشیم، و همانند مسلمانان (و دیگر شهروندان) نیازهای خود را روزانه خریداری کنیم (وسایل/۳۳۲/۱۳).

۱۰ - فلا تسمعوا الهوی ان تعدلوا - (نساء/۱۲۵). با پیروی از هواهای نفسانی از صراط حق منحرف نشوید.

امام علی (ع): «قدالزم نفسه العدل، فکان اول عدله نفی الهوی عن نفسه (الحیة/۳۳۶/۶). (انسان کامل و وارسته) خود را به عدالت وامی‌دارد، و در اولین گام به سوی عدالت، هواپرستی را از خود می‌زداید.

امام علی (ع): «کیف یعدل فی غیره، من یظلم نفسه؟ (همان). کسی که به خود ستم می‌کند، چگونه می‌تواند در حق دیگران عدالت بپورزد؟

۱۱ - پیامبر (ص): «فاتقوا الله و اعدلوا بین اولادکم (همان/۴۰۹/۶). از خدا ترسید و بین فرزندانان به عدالت رفتار کنید.

پیامبر (ص): «اعدلوا بین اولادکم کما تحبون ان یعدلوا بینکم فی البز و اللطف (میزان‌الحکمه/۷۰۶/۱۰). (در هدایا و بخششهای مالی) بین فرزندانانان به عدالت رفتار کنید، چنانکه دوست می‌دارید میان شما در نیکی و لطف، به عدالت عمل شود.

مردی خدمت پیامبر (ص) آمد و گفت: ای رسول خدا! دوست دارم بر بخشی که به فرزندم کرده‌ام شاهد باشی. پیامبر (ص) به او فرمود: فرزند دیگری جز او داری؟ گفت: آری. پیامبر (ص) گفت: آیا همچنان که به این فرزند چیزی بخشیده‌ای به آنان نیز داده‌ای؟ گفت: نه. پیامبر (ص) فرمود: فاناً معاشر الامتیاء، لاتشهد علی الحیف (وسایل/۳۰۶/۱۸). ما پیامبران گواه ستم نمی‌شویم.

۱۲ - و ان ختمن ان لاتعدلوا فواحدة (نساء/۳۷). اگر ترس از این دارید که نتوانید بین زنانان به عدالت رفتار کنید، پس به یک زن بسنده کنید.

پیامبر (ص) و من کانت له امراتان فلم یعدل بینهما فی القسم من نفسه و ماله، جاء یوم القیامة مغلولاً مائلاً شقاً حتی یدخل النار (وسایل/۸۴/۱۵). مردی که دارای دو زن باشد و بین آن دو در جان و مالش عدالت نپورزد، در روز قیامت دست‌بسته با فک و گونه‌های کج محسور می‌شود، تا این که در آتش افتد.



در قضاوت<sup>۲</sup>، شهادت<sup>۳</sup>، روابط اجتماعی<sup>۴</sup>، ارتباط با کسانی که اسلام را نپذیرفته‌اند ولی به رفتار و ارزشهای انسانی پای‌بندند<sup>۵</sup>، در وصیت<sup>۶</sup>، و در هر نوع حرکت و اقدام و رفتاری<sup>۷</sup>، دین مردمان را به عدالت فرا می‌خواند. گستره عدالت فراتر از عوامل اقتصادی، اجتماعی و زندگی انسان است. در نگرش کلان دین و در نظام تکوین، شالوده حیات و موجودات بر پایه عدالت نظام یافته است.<sup>۸</sup>

در بینش امام علی (ع) قوام موجودات و جانداران وابسته به عدل است.<sup>۹</sup> و با عدل است که هر چیزی جایگاه بایسته خود را می‌یابد.<sup>۱۰</sup> بر این اساس دین انسان را به سوی زندگی متعادل فرا می‌خواند؛ زیستی که در آن عرصه بر دیگر جانداران محدود نشود، به تخریب طبیعت و آلوده‌سازی محیط زیست نینجامد و جلوه‌های حیات در آن فعال و شاداب باقی بماند.<sup>۱۱</sup> و این‌گونه است که انسان دینی سفره رنگین طبیعت را به خود اختصاص نمی‌دهد و جبارانه از آن استفاده انحصاری نمی‌کند.<sup>۱۲</sup> منابع و معادن را برای سودجویی انسان‌نماهای گرسنه دیوانه‌وار از میان نمی‌برد، زیست اترافی و اشرافی که در آن مصرفهای اسراف‌ی و بی‌رویه، مراتع و جنگلها را نابود سازد و آنها را آلوده و زندگی را در کره خاک برای مردمان خطرآفرین گرداند.<sup>۱۳</sup> نمی‌پسندد. و اگر این‌گونه عمل شود از همه مواد استفاده معقول به عمل می‌آید و مشکلات فراوان طبیعی، اجتماعی، سیاسی بروز نمی‌کند.<sup>۱۴</sup>

۱ - کونوا قوامین بالقسط... ولو علی انفسکم او الوالدین والاقربین (نساء/۱۲۵). قسط و دادگری را بپا دارید؛ اگر چه به ضرر خودتان و به زیان پدر و مادر و قایلان باشد.

۲ - امام باقر (ع): الطلاق الذی یحبّه الله والذی یطلق الفقیه و هو العدل بین المرء و الرجل - (واقی ۱۰۳۰/۲۳). طلاق را که خدا دوست می‌دارد، طلاقى است که فقیه عادل انجام دهد.

۳ - امام صادق (ع): تبطل الشهادة فی... الحیف (وسائل ۳۰۶/۱۸۷). شهادت بر ستم و بی‌عدالتی (فقد ارزش حقوقی و) باطل است.

۴ - پیامبر (ص): ولكن الکبر ان تترك الحق، و تتجاوزه الی غیره و تنظر الی الناس و لا تری ان احداً عرضه کمعرضک و لادمه کدمک (میزان الحکمة ۳۰۲/۸). خود بزرگ‌بینی (و رفتار نادرست با مردم) در این است که انسان حق را نپذیرد و به ناحق بگردد، آبرو (شخصیت) و خون مردمان را همچون آبرو و خون خویش نداند.

۵ - پیامبر (ص) به روایت امام سجاد (ع): من ظلم معاهداً کنت خصمه (مسندک ۱۶۸/۱۶). هرکس به معاهدی ظلم کند دشمن (و طرف دعوی) منم.

۶ - امام علی (ع) به روایت امام صادق (ع): الحیف فی الوصیة من الکبائر (وسائل ۳۵۶/۱۴). ستم در وصیت از گناهان بزرگ است.

امام باقر (ع) به روایت امام صادق (ع): من عدل فی وصیة کان کمن تصدق بها فی حیاته و من جار فی وصیته لقی الله... یوم القیامة و هو عنه معرض (همان جا). هرکس در وصیتش عادلانه عمل کند مانند کسی است که در زمان حیاتش مالش را در راه خدا انفاق کرده‌است و هر که در وصیت ستم (و بی‌عدالتی) ورزد، در روز قیامت خدا را در حالی که از او روی گردان است ملاقات می‌کند.

۷ - امام علی (ع): لیس من العدل القضاء علی الثقة بالظن (وسائل ۵۹۳/۱۱). عادلانه نیست انسان درباره کسانی که در ستکار و مورد اعتمادند، گمان (نادرست) برد.

امام صادق (ع): ان اشد الناس عذاباً یوم القیامة من وصف عدلاً ثم خالفه الی غیره (همان ۳۰۰/۸). سخت‌ترین عذاباً در قیامت ویژه کسانی است که از عدل سخن می‌گویند و به عدل عمل نمی‌کنند.

حماد لجام می‌گوید قطاری از شتران می‌گذشت، امام صادق (ع) دید بار شتری کعب شدایست فرمود: یا قلام! اعدل علی هذا الجمال فان الله تعالی یحب العدل (وسائل ۳۹۴/۸). ای غلام! بار این شتر را برابر (و راست) کن، زیرا خدای تعالی عدل (و برابری) را دوست می‌دارد.

۸ - امام علی (ع): «العدل اساس به قوام العالم. عدل پایه (و زینت) است که پایداری جهان به آن بستگی دارد.» (معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی/۲۷۲).

۹ - امام علی (ع): العدل قوام البریة (الحیة ۴۰۴/۶). قوام موجودات به عدل است.

۱۰ - امام علی (ع): العدل یضع الامور فی مواضعها (همان ۴۱۲/۶). با تحقق عدالت (در تاروپور جهان) هر چیز جایگاه بایسته خود را می‌یابد.

۱۱ - امام رضا (ع): «استعمال العدل و الاحسان مؤذن بدوام النعمة. به کارستن دادگری و نیکوکاری، عامل پایداری نعمتها است.» (معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی/۲۷۳).

۱۲ - امام علی (ع): «... انقول الله فی عیاده و بلاده فانکم مسؤولون حتی عن البقاع و البهائم. شما درباره مردمان و شهرها از خدا بهره‌برید؛ زیرا که شما مسؤول هستید حتی درباره آبادیها و حیوانات.» (همان ۴۱۴).

امام علی (ع) (در عهدنامه مالک‌اشتر): و ایاک والاستتار بمالکنا فی سوت. بهره‌بر از ویژه‌سازی (اتحصارطلبی) در چیزهایی که همه مردم در آنها برابرنند. (همان ۴۳۵).

۱۳ - ان الله لا یصلح عمل المفسدین (یونس/۸۱). خدا عملکرد افسادگران را اصلاح نمی‌کند.

ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها... (اعراف/۵۶). پس از آن‌که زمین اصلاح یافته‌است (و برای زیست مناسب آماده گشته) در آن افسادگری نکنید.

۱۴ - امام علی (ع): «... لواقبتم العلم من معدنه، و ادخرتم الخیر من وضحجه، و اخذتم الطریق من وضحجه. لایتهجت بکم السبل... و ما عال فیکم عائل... اگر



### ۳- ساز و کارهای تحقق عدالت اقتصادی - اجتماعی

اسلام در راستای تحقق عدالت اقتصادی - اجتماعی، کاهش فاصله فقر و ثروت، مبارزه اصولی با عقب‌ماندگی، تحولات فرهنگی اساسی در فکر و ساخت اقتصادی جامعه، مبارزه با قدرت‌طلبی و برتری‌جویی، ایجاد انسجام اجتماعی و افزایش روح دگردوستی و احترام به انسان و ارجح‌گذاری نسبت به حقوق او، مکانیسم‌هایی را در قانونمندیها و فرهنگ دین نهادهاست، که رعایت آنها نویدبخش جامعه آرمانی دین است. جامعه‌ای کمال یافته و سعادتمند و بدور از هر ظلم و تبعیضی.

چگونگی وضع مالیات که بر اساس نظر کارشناسان و موافقت پیشوای مسلمانان، ممکن است در زمانهای مختلف، و نسبت به شغل‌های گوناگون نوسان یابد، یا مالیات‌های ثابت مانند خمس و زکات، اصل انفاقهایی واجب، اصل انسانی برادری اسلامی، و اصل مساوات، حق معلوم، همچنین اقدامات دولت در تقسیم مجدد امکانات و منابع، و بازپس‌گیری اموال غصبی، لزوم کمک‌های مستقیم دولت و مردم به گروه‌های کم‌درآمد، اصل تعاون و مددکاری اجتماعی و تکلیفی بودن آن در مواقع نیاز و حقوق مالی غیر الزامی چون همه کارهای انسانی و نیک که از آن با تعبیر معروف و صدقات یاد شده‌است، وجود برنامه‌ها و ارزش‌های ویژه‌ای را در فرهنگ دین به اثبات می‌رساند. همچنین تعالیمی مانند: ایثار و دگردوستی، احسان، انصاف، ظلم‌ستیزی، حق‌محوری و... همه، سازوکارهایی هستند که عدالت اقتصادی - اجتماعی را در جامعه اسلامی عملی می‌سازند.

یادکرد این مطلب لازم است که بسیاری از برنامه‌ها و سیاست‌گذاریها در جامعه با مسأله عدالت اجتماعی ارتباط دارد. اموری چون: آموزش، بهداشت، تغذیه، اشتغال، سرمایه‌گذاری، اصلاح نظام تولید، توزیع و خدمات، مسأله زمین و کشاورزی و... باید با معیار عدالت، رشد و توسعه یابد، و بررسی دربارهٔ هر یک از آنها نوشتار جداگانه‌ای را می‌طلبد. آنچه در این جا بازگو می‌شود، راهکاری روشن و محسوس است که به‌طور مستقیم با پدیده عدالت اقتصادی - اجتماعی در رابطه است و به عینیت یافتن آن در جامعه می‌انجامد.

#### ۱. تقسیم عادلانه امکانات و منابع

اختلاف در ثروت و درآمد تا آن جا که از میزان استعداد، تلاش و فعالیت ناشی شود، برای بقای حیات انسان و جامعه انسانی ضروری است! لیکن لازم است از آنچه به کل جامعه و همه مردم تعلق دارد، همه به‌طور مساوی بهره‌مند شوند.<sup>۱</sup> از این رو نخست باید امکانات زیستی و درآمدی بین مردمان یکسان تقسیم شود، و فرصتهای برابر رشد برای همه افراد و آحاد جامعه فراهم آید.<sup>۲</sup> در نگرش دین فرد، گروه یا سازمانی حق ندارد به بهانه موقعیتهای سیاسی، اجتماعی، مذهبی و شایستگیهای شخصی یا گروهی از امکانات عمومی استفاده بیشتر ببرد، و برای خود اولویت قرار دهد. در این بینش امتیازات معنوی، تقوی و فضایل اخلاقی، ایمانی و ارزشمداریها با امتیازات مادی هیچ‌گونه رابطه‌ای ندارد و با آنها مبادله نمی‌شود، و از اساس، طرح چنین دادوستدی تابجا و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

علم را از معدن آن اقتباس کرده‌بودید، و خیر را از جایگاه آن جویا شده‌بودید، و از میان راه به رفتن پرداخته بودید... راهها برای شما روشن می‌گشت و... هیچ‌کس سنگینی بار زندگی و هزینه عائله را حلق نمی‌کرد... (معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی ۱۵/ ۳۱۴)

۱ - امام علی (ع) لایزال الناس بخیر ما تفاوتها فاذا استواهلکوا (میزان الحکمة ۳۵۲/۱۰). تا تفاوت (منطقی و معقول و انگیزه‌آفرین) بین آدمیان وجود دارد، همواره در پیشرفتند و به سوی رشد و سعادت گام می‌نهند، آن‌گاه که از هرجهت یکسان شوند (توازن و تعادل از میان برود) هلاک و نابود می‌گردند.

۲ - امام علی (ع) «... واعطیت کما کان رسول الله (ص) یعطی بالسویة ولم اجعلها (الاموال) دولة بین الأغنیاء... من چون پیامبر (ص) بیت‌المال را برابر (به همه) می‌دهم، و آن را ویژه اغنیاء نمی‌سازم.» (عصر زندگی ۱۶۴).

۳ - امام صادق (ع) «ولکن الله رخصه (الزکوات البیض بالبریین) علیهم لیتختم به غنیهم و فقیرهم (وسایل ۳۱۳/۱۰). خدا سنگ عقیق را فراوان کرده‌است تا تروتمند و فقیر بتوانند انگشتر در دست کنند (و از فواید آن بهره‌مند شوند).

براساس این حدیث، از حکمت‌های آفرینش فراوان سنگهای تزئینی استفاده فقیر و غنی از آنهاست! یعنی دین در بهره‌مندی از زینتها ملاحظه حال مستمندان را کرده‌است، و نخاسته در برخورداری از وسایل تزئینی محرومیت شکل گیرد. بنابراین چگونه ممکن است در مسایل ضروری حیات انسان شکافهای عمیق اقتصادی سازگار با آموزه‌های دین دانسته شود؟

امام صادق (ع) نهی رسول الله (ص) عن ولیمة یخص بها الأغنیاء و یتراک الفقراء (وسایل ۵۴۳/۱۶). پیامبر (ص) از پذیرایی و برپایی مراسمی که تنها ثروتمندان در آن دعوت شوند، و به فقیران بی‌اعتنایی شود، نهی کرده‌است. (چگونه ممکن است در دعوتها دین تبعیض را برنتابد، ولی در مایهٔ حیات آدمی که همان نان و آب و مسکن و دیگر امکانات و منابع است ساکت بماند، و اختصاص یافتن آن را به گروهها و افرادی خاص و اندک بپذیرد؟)





راهی به خطا و انحراف است.<sup>۱</sup>

همه جهان هستی و پهنه گیتی، آسمانها، کهکشانها و زمین ملک خداست،<sup>۲</sup> که آن را به رسول خود واگذار کرده است، و پس از پیامبر(ص) در اختیار جانشینان او قرار دارد، و در زمان غیبت، حکومت اسلامی عهده دار این امر است.<sup>۳</sup> از سوی خدا و امکانات و منابع گسترده و فراوان زمین را از آن همه مردم دانسته، بدون آن که موهبتهای طبیعت را به گروه، نژاد یا طبقه خاص منحصر سازد.<sup>۴</sup> در نگاه دیگر اموال و امکانات در دست مردمان عاریه<sup>۵</sup> و امانت<sup>۶</sup> است، و تصرفات در آنها از حد وکالت و جانشینی<sup>۷</sup> فراتر نمی رود. بنابراین، مال خداست و مردم بندگان اویند،<sup>۸</sup> و در بهره‌مندی از منابع اقتصادی میان نهادها، گروهها و افراد امتیازی قرار داده نشده است، و این خود پشتوانه نیرومندی برای دولت اسلامی فراهم می‌آورد که به تقسیم عادلانه امکانات دست یازد و ریشه برتری جویی و اختلافهای فاحش ثروت‌اندوزی و درآمدی را از بن برآرد، و عدالت را در جامعه تجسم بخشد.<sup>۹</sup>

## ۲. تغییر ساختار فرهنگی - اجتماعی

برای تحقق عدالت اجتماعی - اقتصادی لازم است تغییرات بنیادین در نگرش و شیوه زندگی فردی و اجتماعی پدید آید،<sup>۱۰</sup> در این باره دین تعالیم راهگشا، اندیشمندانه و سعادت‌ساز دارد؛ که نهادی شدن آنها در جامعه زمینه مناسب را برای پذیرش عدالت و حرکت به سوی آن را فراهم می‌کند. اکنون بررسی برخی از این تعالیم و معیارها:

۱. در نگرش دین رفاه‌زدگی و اشرافیگری،<sup>۱۱</sup> کنز و ویژه‌سازی امکانات و انحصارگرایی در اموال، روش خطا، ویرانگر و هلاکت‌بار است،<sup>۱۲</sup> و آن که چنین روشی را در زندگی برگزیند، حیات کنونی و پس از مرگ خود را تباه ساخته، در عذابی دردناک و سوزنده گرفتار

۱ - امام صادق(ع) سئل عن قسمة بیت‌المال فقال: «أهل الإسلام هم أبناء الإسلام، أسوی بینهم فی العطاء، و قضائهم بینهم و بین الله، أحملهم کبیر رجل واحد، لا یفضل احد منهم لفضله و صلاحه فی المیراث علی آخر ضعیف منقوص. از تقسیم بیت‌المال پرسیدند، امام صادق(ع) گفت: اهل اسلام فرزندان اسلامند. من همه را در بخشش برابر قرار می‌دهم. اگر هر یک قضیلتی و مزیتی دارند میان خود و خدایشان است. من آنان را همچون پسران یک پدر به‌شمار می‌آورم، که اگر یکی از آنان فضل و صلاحی دارد، و دیگری گرفتار ضعف و نقیص است، این چیزها در تقسیم ارث میان آنان تأثیری ندارد.» (ترجمه الحیة ۴۱۲/۱)

۲ - ولله ملک السموات والأرض (آل عمران ۱۸۹). فرمانروایی بر آسمانها و زمین ویژه خداست. قل: لمن الارض) و من فیها ان کنتم تعلمون؟ سیقولون لله (مؤمنون ۵۱ - ۸۴). بگو: اگر می‌دانید بگویند زمین و آنچه در آن است از آن کیست؟ (با دقت و اندیشه) خواهند گفت: از آن خداست.

۳ - امام باقر(ع) الدنیا و ما فیها لله (الحیة ۲۶۶/۵). دنیا و آنچه در آن است، ملک خداست. پیامبر(ص) به روایت امام باقر(ع) خلق الله آدم و اقطعه الدنیا قطیعة، فما کان لادم(ع) فلرسول الله(ص) و ما کان لرسول الله فهو للأئمة من آل محمد(ع) (همان ۲۶۷). خداوند حضرت آدم(ع) را آفرید و دنیا (گرم زمین) را به وی ارزانی کرد. آنچه را آدم(ع) مالک بود، برای پیغمبر(ص) است، و پس از وی در اختیار جانشینان حضرتش قرار داد.

۴ - هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً (بقره ۲۹). خدا کسی است که آنچه را در زمین وجود دارد برای شما (همه انسانها) آفریده است.

۵ - امام علی(ع) «المال عاریة، مال، عاریه است.» (ترجمه الحیة ۷۳/۸۶) امام صادق(ع) «اجعل مالک کما عارة تردها، مالت را همچون امانتی در نظر داشته باش که باید پس بدهی.» (همان ۸۷/۳)

۶ - امام صادق(ع) «... المال مال الله جعله ودائع عند خلقه. مال خداست، که آن را به صورت امانت به آفریدگان خود سپرده است.» (همان جا).

۷ - و انفقوا مما جعلکم مستخلفین فیہ... (حدید ۷). از آنچه (خدا) شما را در آن جانشین قرار داده است اتفاق کنید.

۸ - امام کاظم(ع) ان الأرض لله تعالی، جعلها وفقاً علی عبادم... (الحیة ۲۸۹/۵). زمین ملک خداست. آن را وقف بر بندگان خود قرار داده است.

۹ - امام صادق(ع) «... ان الدنیا و الآخرة للإمام یضعها حیث یشاء و یدفعها الی من یشاء. جائز له ذلك من الله (واقی ۲۹۰/۱۰). دنیا و آخرت به امام (و در زمان غیبت، حاکم اسلامی) تعلق دارد (و ملک اوست) (بر اساس ملاکها و اصولی که دین دارد، و بارزترین آن اجرای عدالت اقتصادی و ایجاد فرصتهای برابر رشد، برای همگان است) امام می‌تواند اموال و امکانات را هر جا که بخواهد سرمایه‌گذاری کند، (و اصلاحات لازم را در تقسیم امکانات به عمل آورد)، و به هر که خواهد بدهد. این کار از جانب خداوند برای او جایز است.

۱۰ - ان الله لا یغیر ما یقوم حتی یغیروا ما ینفسهم... (رعد ۱۱). همانا! خداوند آنچه را در جامعه‌ای حکم فرماید تغییر نمی‌دهد تا این که مردمان خود به تغییر سرنوشت خویش اقدام کنند.

۱۱ - نهی رسول الله(ص) «... عن الشرب فی آتیه الذهب و الفضة (وسایل ۳۰۱/۳). پیامبر استفاده از ظرف طلا و نقره را (به عنوان وسایل زندگی اشرافی) منع کرده است.

۱۲ - امام صادق(ع) انما کره التوشیح فوق القمیس لانه من فعل الجبابة (وسایل ۲۸۹/۳). آراستن لباس با جواهرات شیوه طاغوتان است، و از این رو ناسند دانسته شده است.

۱۳ - امام علی(ع) «وایاک و الاستتار بما الناس فیہ اسوة... بهره‌ی از ویژه‌سازی (انحصارطلبی) در چیزهایی که همه مردم در آنها برابرند.» (معیارهای



خواهد آمد.<sup>۱</sup>

ب. بخل (تنگ نظری)<sup>۲</sup> و حرص (و آزمندی و سیری ناپذیری)<sup>۳</sup> نشانه بیماری و ناسلامتی روان آدمی است و عوامل متعددی در شکل گیری این دو پدیده زشت و شدت آن در برخی از افراد دخالت دارد. دین از انسان می خواهد صفحه دل خود را از خصلتهای این چنین پاک سازد و به سخاوت و سامان دهی به زندگی دیگران و فرافراندن بیشی روی آورد؛<sup>۴</sup> زیرا رشد خوبیهای نادرست در ضمیر انسان او را به هر رفتار و اقدام ناشایستی وامی دارد.<sup>۵</sup>

ج. احیاء و رواج فرهنگ وقف (منقطع و دائم) در جامعه از ارزشهای مهم و انسان دوستانه دین است که همراه با شناخت درست از تعالیم اسلامی درباره مسائل اقتصادی و مستمندان دوراندیشانه می تواند به تأمین زندگی فقیران و تعدیل ثروتها بینجامد<sup>۶</sup> و تغییرات بنیادین در مالکیت پدید آورد<sup>۷</sup>، و گذشته از این بسیاری از خط مشیها را اصلاح سازد و متناسب با امکانات، زمان و نیازها در

اقتصادی در تعالیم رضوی (۳۴۵).

امام علی (ع): «من يستأثر من الاموال يهلك، هرکس در اموال انحصار طلب باشد هلاک گردد.» (همان).

۱ - والذین یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فیرهم بعباد الیم. یوم یحیی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباهم و جنوبهم و ظهورهم هذا ما کنزتم لاتفککم ففوقوا ما کنتم تکتزون (توبه/ ۵ - ۳۴). «و کسانی که طلا و نقره را کنج می کنند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند به گفیری دردناک نویدشان ده، روزی که آن را در آتش دوزخ گنجاخته کنند و پیشانیهایشان و پهلوهایشان و پشتهایشان را بدان داغ کنند (و بگویند به گنج داران): این همان گنجی است که برای خود ساخته بودید، اکنون (رنج و کسرت) آنچه را کنج کردید بچسبید.» (همان / ۳۵۰).

پیامبر (ص): «من ترک بیضاء او حمراء کوی به یوم القیامة، هرکسی نقره یا طلائی (پس از خود) باقی بگذارد، روز رستخیز یا آنها (گنجاخته) داغ می شود.» (همان / ۳۵۴).

امام صادق (ع): «فاذا قام قائمنا حرم علی کل ذی کنز کتزه، حتی یاتوه به ویستعین به (وسایل / ۲۸۲/۶). هرگاه قائم ما ظهور کند کنز و اندوخته های هرکس بر او حرام می گردد و باید آن را به نزد حضرت آورد تا در راستای نهضت جهانی امام (ع) استفاده شود.

۲ - پیامبر (ص) به روایت امام صادق (ع) والخیل شیخ فی السموات و سیخ فی الارضین (همان / ۲۵۲/۱۵). بخیل در آسمانها و زمین نفرت انگیز است

۳ - زیدین صوحان از امام علی (ع) پرسید کدام دلته، ذلت آورتر است؟ امام علی (ع) فرمود: «الحرص علی الدنیا» حرص بر دنیا (و سیری ناپذیری از آن) (همان / ۱۱۲۹/۳).

۴ - امام صادق (ع) اتی رجل النبی (ص) فقال: یا رسول الله ای الناس افضلیم ایماناً؟ فقال: ابطهم کفا (همان / ۲۵۲/۱۵). مردی نزد پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا ایمان کدام کسان برتر است؟ پیامبر (ص) گفت: آنان که دست بازتر دارند.

امام کاظم (ع): «و ما بعنا لله نبیاً و لا وصیاً الا یسختنا و لا (ما - جل) کان احد من الصالحین الا یسختنا، و ما زال ابی یوصینی بالسخاء حتی مضی (همان جا). خدا پیامبر و وصی را بر نیانگیخت مگر سخاوتمند، همه صالحان سخاوتمند بوده اند، و پدرم تا لحظه مرگ مرا به سخاوت سفارش می کرد»

۵ - پیامبر (ص): ایاکم والسح، فانه دعاء الذین من قبلکم حتی سفکوا دماهم... و دعاهم حتی ائتهکوا و استحلوا محارمهم (وسایل / ۵/۶ - ۲۴). از حرص (و تصرف اموال دیگران و بایستی حقوق آنها به ناحق) بپرهیزید زیرا وسوسه های آن پیشینیان شما را به خونریزی برانگیختند، و به پرده دری و آمیزش جنسی با محارم فرا خواند.

پیامبر (ص): ... فانما هلك من كان قبلکم بالسح. امرهم بالکذب فکذبوا، و امرهم بالظلم فظلموا و امرهم بالقطیعة فقطعوا (همان). همانا اقوام گذشت را حرص برانداخت و نابود کرد. حرص آنان را به دروغ و ظلم و قطع رابطه با خویشاوندان و دوستان فراخواند، و آنان اجابت کردند.

۶ - پیامبر (ص) حیسی الاصل و سبیل الثمرة استترک (۴۷/۱۴). اصل (ملک و قاپوچی) را غیر قابل انتقال ساز، و منافع و فواید آن را در راه خدا (بیتوایان و ... هزینه کن.

امام صادق (ع): انه علیاً کان عبداً لله... عمد الی مال فجعله صدقة مبتولة تجری بعده للفقره (همان / ۶/۱۴ - ۳۵). امام علی (ع) بنده خدا بود، مالش را با وقف سرمایه ای قرار داد تا پس از او منافع آن عاید فقیران شود.

۷ - امام باقر (ص): پیامبر (ص) بر مردی گذشت که در باغش نهال می کاشت، ایستاد و گفت: آیا راهنمایایات کنم به کاشتی که پایدار است؟ مرد گفت: ای پیامبر خدا تو را شاهد می گیرم بر این که این باغ را وقف کردم بر خصوص فقیران مسلمان اصل صفة (همان / ۷/۱۴ - ۴۶).

امام صادق (ع): پیامبر (ص) و اموال غنیمی را تقسیم کردند، به امام علی (ع) زمینی رسید. در آن چشمه ای کند، آب مانند گردن شتر از آن فوران می کرد، آن را چشمه یبوع نامید. بشیر آمد و حضرت را بشارت می داد، فرمود: بشرا الوارث، بشرا الوارث، هی صدقة بتا بتلأ فی حجج بیت الله، و عابر سبیله لاتباع و لا توهب و لاتورث، فمن باعها او وهبها فلعنة الله و الملائكة و الناس اجمعین، ولا یقبل الله منه صرفاً و لا عدلاً (وسایل / ۳۰۴/۱۳). بشارت ده وارث را، این ملک را وقف قطعی کردم برای زائران خانه خدا و راهماندگان آن، از قابلیت خرید و فروش، هبه وارث خارج گردید، لعنت خدا و ملائکه و مردمان بر کسی که آن را بفروشد و یا ببخشد، و خدا از کسی که چنین کند هیچ عمل واجب و مستحبی را نپذیرد.

عجلان ابی صالح می گوید امام صادق (ع) (چنین) املاء کردند:

بسم الله الرحمن الرحیم: هذا ما تصدق به فلان و هو حق سوی بداره التي فی بنی فلان بحدودها، صدقة لا تباع و لا توهب حتی یرثها وارث السماوات و



روند مطلوب سوق دهد.<sup>۱</sup>

۵. در فرهنگ دین، بسیاری از اقدامات در راستای تعدیل ثروت و درآمد است. در تعالیم اسلامی آمده است: هر کس می خواهد خواسته اش را خدا بر آورد، باید بخشی از درآمد خود را ویژه بینوایان سازد.<sup>۲</sup> هر که به بلای زشت و ناگفتنی مبتلا شده برای رفع آن با ثلث مالش خود را بیمه کند.<sup>۳</sup> آغاز هر ماه براساس توانایی، سلامتیش را در آن ماه تأمین کند.<sup>۴</sup> ارث کسانی که وارث ندارند، به فقیران و ضعیفان اختصاص یابد،<sup>۵</sup> و هر کس توان انجام پاره ای از اعمال عبادی را ندارد، به جای آن به نیازمندان رسیدگی کند.<sup>۶</sup> هر فقرزایی در اسلام تکلیفی الزامی است،<sup>۷</sup> و مسؤولیتی است عظیم که بر عهده توانمندان و ثروتمندان گذاشته شده است.<sup>۸</sup>

→  
الأرض، و انه قد اسکن صدقته هذه فلاناً و عقبه فاذا انقضوا فهي على ذی الحاجة من المسلمین ( همان ۳۰۳-۴/۱۳). به نام خدای بخشاینده سهرابان؛ جعفر بن محمد در حالی که زنده و سالم است و خانه ای را که در فلان محله است با حدود آن وقف دائم کرد و تا زمانی که وارث آسمانها و زمین آن را به ارث برد غیر قابل فروش و هبه است، این وقف بر فلانی و فرزندش می باشد، آنان حق استفاده از این خانه را دارند و وقتی منقرض گردند، ویژه مسلمانان نیازمند است. علی بن جعفر گوید از امام کاظم (ع) درباره صدقهای پرسیدم که به طور قطعی برای خدا قرار داده شده است، آیا واقف می تواند از وقفش برگردد. فرمود: اذا جعله الله فهي للمساكين و ابن السبیل، فلیس لک ان یرجع فیها (وسایل ۱۳/۳۸۸) و هرگاه وقفی برای خدا قرار داده شود برای مسکینان و در راه ماندگان است، نمی تواند به آن رجوع کند.

• بر پایه این گونه احادیث و معنای وقف، به روشنی پیداست که با فراگیر شدن این سنت به ویژه در میان مالکان و ثروتمندان، در دراز مدت مالکیت های عمومی اجتماعی بدید می آید، و مالکیت خصوصی به نفع گروه های کم درآمد به مالکیت عمومی تبدیل می شود و هرگاه زرفاندیشانه در مسأله وقف نگریسته شود بنیاد اقتصاد نوینی در آن، قابل بررسی است.

۱ - به عنوان مثال هرگاه اقتضای زمان و نیازها، پژوهش های علمی و صنعتی را بطلب، وقفها می تواند به صورت وقف منقطع به سمت آن سوق یابد، و هرگاه سیاست های جمعیتی خاص مدنظر باشد، واحد مسکونی و آپارتمانها می تواند وقف خانواده هایی متناسب با آن برنامه گردد، و اگر تجارت کالای خاص سودآور باشد و جامعه را استوار سازد، مزرعه ها و تولیدات می تواند در این راستا وقف شود.  
۲ - امام صادق (ع)؛ (درباره خواست حاجتی از خدا) یتصدق فی یوم علی مسکیناً کل مسکین صاعاً... (وسایل ۲۰۷/۵). به ۶۰ مستند هر کدام ۴ من گندم دهد...

۳ - مردی خدمت امام صادق (ع) آمد و گفت: فدایت شوم برادرم گرفتاری پیدا کرده که از ذکر آن شرم دارم، امام فرمود: آن را پوشیده دار و به او بگو: روز چهارشنبه روزه بگیرد و نماز بگذارد، پس از نماز بگوید: خدایا به یک سوم دارایم جانم را از تو خریدم، رزایی که گرفتار آن شده ام از من دور کن (همان ۲۶۱/۵).

امام صادق (ع)؛ ولو ان احکم اذا فذحه امر، فزع منه الی الله عزوجل فتطهر و تصدق بصدقة قلت او کثرت... (همان جا) اگر یکی از شما را چیزی ناراحت سازد، و تحت فشار قرار دهد، وضو بگیرد و مالی را - کم یا زیاد - صدقه دهد...

۴ - امام جواد (ع)؛ اذا دخل شهر جدید یصلی فی اول یوم منه رکعتین... و یتصدق بما یسهل یشتری به سلامة ذلک الشهر کله (وسایل ۲۸۶/۵). هر گاه انسان آغاز هر ماه دو رکعت نماز گزارد و به آنچه فراهم شود صدقه دهد، سلامتیش را در همه آن ماه خریدار است.

۵ - کان امیر المؤمنین (ع) یعطی میراث من لا وارث له فقراء اهل بلده و ضعیفاءهم (همان ۵۵۴/۱۷). امام علی (ع) ارث کسی را که وارث نداشت به فقیران و محرومان همان شهر می داد.

از امام باقر (ع) درباره مردی سؤال شد می خواهد بمیرد، ولی ارثی ندارد؟ امام علی (ع) فرمود: یوحی بک ما یفعل حیث شاء فی المسلمین و المساکین و ابن السبیل (همان ۳۷۰/۱۳). وصیت کند مالش را به مسلمانان و مسکینان و در راه ماندگان آن گونه که می خواهد (و دوست می دارد) بدهند.

۶ - عقبه می گوید: به اما صادق (ع) گفتم: فدایت شوم، پیر گشته ام و توان روزی ندارم، در رابطه با من روزی روزه در ماه چه کنم؟ فرمود: تصدق بدرهم عن کل یوم (همان ۳۱۸/۷). به جای هر روز یک درهم صدقه بده.

۷ - امام علی (ع)؛ «ان الله سبحانه، فرض فی اموال الاغنیاء اقوات الفقراء... خداوند سبحان، فراهم آوردن قوت و روزی فقیران را از اموال ثروتمندان واجب کرده است...» (ترجمه الحیة ۷/۳-۸۶).

۸ - والذین فی اموالهم حق معلوم للسائل و المحروم (معارج ۵/ ۲۴). کسانی که سائل و محروم در اموال آنان حقی معلوم دارند.  
امام صادق (ع)؛ ما کثر مال رجل قطاً الا عظمت الحجة لله تعالی علیه (الحیة ۳۹۲/۴). هرگز مال کسی فراوان نشد، مگر اینکه که حجت خدا بر او بیشتر گردید.  
امام رضا (ع)؛ «ان الله - تبارک و تعالی - کلف اهل الضحاة القیام بشأن اهل الزمانة و البوی. خداوند توانمندان را مکلف کرده است تا برای (اداره) امور بیماران زمینگیر و دیگر مبتلایان قیام کنند...» (معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی ۲۳۶/۱).

ابوبصیر می گوید به اما صادق (ع) گفتم: مردی محرم به ساق زنی می نگرد و انزال می کند (چه کند؟) فرمود: «ان کان موسراً فعليه بُدنة و ان کان وسطاً فعليه بقرة و ان کان فقیراً فعليه شاة» (وسایل ۲۷۳/۹). اگر ثروتمند است یک شتر، و اگر از مردمان متوسط است گاو، و اگر فقیر است یک گوسفند باید کفاره دهد.  
محمد بن رجاء ارجانی می گوید به امام کاظم (ع) نوشتیم در مسجد الحرام دینداری دیدیم، فرو آمد تا آن را بگیریم دیندار دیگر نیز یافتیم، ریگها را کنار زد، دینار سومی یافت شد، اعلام کردم تا صاحب آن پیدا شود ولی کسی نیامد، چه کنم؟ امام (ع) نوشت: فان كنت محتاجاً فتصدق بثلثها و ان كنت غنیاً فتصدق بالکل (وسایل ۳۴۲/۹) اگر نیازمندی، یک سوم آن را صدقه بده و اگر توانمندی همه آن را.

اسحاق بن عمار می گوید از امام کاظم (ع) سؤال کردم آیا عقیقه بر ثروتمند و تنگدست لازم است؟ فرمود: لیس علی من لا یجد شیء (همان ۱۴۹/۱۵). هر که



بایسته است ثروتمندان و دارندگان امکانات، مستمندان و اقشار کم درآمد را دوست بدارند،<sup>۱</sup> و دوستی به این است که آنان را پوشش مالی دهند<sup>۲</sup> و در دستیابی به سطح زندگی مطلوب یاری رسانند<sup>۳</sup> و از ضایع شدن حقوق آنها جلوگیری کنند،<sup>۴</sup> و به این وسیله بر کیفیت اعمال عبادی و ثمربخش ساختن آن بیفزایند<sup>۵</sup> و سرای جاویدشان را آباد سازند،<sup>۶</sup> و با سنگدلی و بی تفاوتی نسبت به آسیب پذیران و محرومان، اسباب نزول بلا،<sup>۷</sup> از دست رفتن ثروت،<sup>۸</sup> و رکود فعالیتهای اقتصادی را فراهم نیاورند.<sup>۹</sup>

→

توانایی ندارد، چیزی بر او نیست.

ليس على الضعفاء... ولا على الذين لا يجدون ما ينفقون حرج... (توبه ۹۱)، بر بنیویان که چیزی برای انفاق نمی یابند، باکی نیست.

امام صادق (ع): ملعون ملعون من وهب الله مالا فلم يتصدق منه بشيء، (مستدرک ۱۵۷/۷)، کسی که خدا به او مالی دهد (و از امکاناتی برخوردار سازد) و از آن چیزی انفاق نکند، ملعون است.

پیامبر (ص) تکلم النار يوم القيامة... ذا ثروة من المال... وتقول للفنى... يا من وهب الله له دنيا كثيرة واسعة فيضاً، وسأله الحقيير اليسير قرصاً، فابى إلا بخلاً فترذره (همان ۲۵۱/۳). آتش (دوزخ) روز قیامت به ثروتمند می گوید: ای کسی که خدا مال و امکانات فراوان و گستردهات بخشید و تنگ نظرانه از کمک به مستمندی که قرضی اندک از تو خواست، تنگ نظرانه خودداری کردی و آن گاه آتش او را می بلعد؟

یکی از امامان (ع): ان الله تبارك و تعالی يقول: ... اوسعك عليك فاستقرضت منك فلم تقدم خيراً، و جعلت لك نظرة عند موتك في تلك فلم تقدم خيراً (وسائل ۶۵۸/۲). خدای متعال خطاب به انسان می گوید: فرزند آدم! مال لغراوانت دادم و از تو قرض خواستم، ندادی. هنگام مرگ در وصیت به ثلث فرصت دادم، اقدام کارساز و نیک نکردی و چیزی برای خودت پیش نفرستادی!

۱ - امام صادق (ع): وعليكم بحب المساكين... فان لهم عليكم حقاً ان تحبهم (مستدرک ۲۳۳/۱۲). پیوسته دوستدار مسکینان باشید. همانا حق آنان بر شما این است که آنها را دوست بدارید.

۲ - امام صادق (ع): ان الله لم ينعم على عبد نعمة إلا وقد ازرعه فيها الحجة من الله، فمن من الله عليه... فجعله موسماً عليه، فحجته عليه ماله، ثم تعاهده الفقراء، (واقی ۵۵۴/۱). خدا بر بندهای نعمتی نداده مگر این که در آن نعمت، حجتی از خدا بر عهده اوست. از این رو هر که را خدا توانمندی مالی داده است، حجت بر مال اوست، که می بایست هزینه های ضروری فقیران را بپردازد.

امام سجاد (ع) حق السائل اعطاؤه علی قدر حاجته (میزان الحکمة ۲۵۲/۴). حق سائل (وکسی که کمک مالی می خواهد) این است که به اندازه نیازش امکانات مالی به او دهد.

۳ - پیامبر (ص) به روایت امام صادق (ع): من... اعانه الفقير بشيء، مما يقوه علی معيشته و كل الله - عزوجل - به سبعين الف ملك من الملائكة يستغفرون لكل ذنب عمله الي ان يتقخ في الصور (وسائل ۳۲۰/۳). هر کسی مستمندان را به گونه ای کمک مالی کند، که از نظر اقتصادی توانمند شوند، خدای بزرگ ۷۰ هزار ملک را وامی دارد که برای هر گناهی که انجام داده تا زمانی که در صورت دیده می شود، استغفار کنند.

امام علی (ع): ... فتقرب الى الله بتخلصهم (اهل اليتيم والزمانة و...) و وضعهم مواضعهم في اوقاتهم و حقوقهم (تمام نهج البلاغة ۶۳۴/۱). با رها ساختن آسیب پذیران و درماندگان از چنگال گرفتاریها و ناپسانیهها، و رساندن سطح زندگی و حقوق آنها به جایگاه بایسته، در نزد خدا منزلت و قرب به دست آور. امام باقر (ع) ليقو شديدكم ضعيفكم (وسائل ۳۸۴/۱۱). باید توانمندان ضعیفان را نیرومند سازند.

۴ - امام علی (ع): ... الله الله في الآيتام... و لا يضيعوا بحضرتكم (واقی ۵۶۴/۱۰). برسید از این که (حقوق) بی سرپرستان (و آسیب پذیران) در حضورتان ضایع گردد.

۵ - امام صادق (ع): قال الله - عزوجل - ... انما اقبل الصلاة ممن... لا يعظم علی خلقی، و يعلم الجائع، و يكرم المصاب، و يؤتي الغريب (فی المصدر: يؤوي الغريب) فذلك يسرق نوره مثل الشمس، اجمل له اني اطلقه نوراً (واقی ۲۷۷ - ۸/۲۶). خدای بزرگ می گوید: نماز را از کسی می پذیرم که بر خلقم تکبر نرزد، گرسنه را سیر کند، و برهنه را بپوشاند، برگرفتاران رحم آورد، و به غریبان پناه دهد. نور چنین کسی مثل خورشید می درخشد، و در تاریکی برایش نور قرار می دهد.

۶ - پیامبر (ص) من اراد ان يكون عرياناً يوم القيامة فليكس الجلود العارية، و من اراد ان لا يكون عطشاناً يوم القيامة فليسق العطشان في الدنيا، و من اراد ان يكون جاعاً يوم القيامة فليطعم الجوفان في الدنيا (مستدرک ۳۱۷/۳). هرکس خواستار آن است که در قیامت عریان نباشد، و تشنه و گرسنه نماند، باید برهنگان را بپوشاند، تشنگان را سیراب سازد و گرسنگان را سیر کند.

پیامبر (ص) حيلة السرور في الآخرة... التعطف على الازامل و السعي في حوائج المؤمنين، و تعهد الفقراء و المساكين (همان ۲۳/۱۵ - ۱۲۲). راه شادمانی در آخرت این است که انسان در دنیا بر بی سرپرستان (و گروههای آسیب پذیر) عطوفت ورزد در تأمین نیازهای مؤمنان بکوشد و رسیدگی به فقیران و مسکینان را بر عهده گیرد.

حذیقه بن یمان می گوید: زمانی که قیامت فرا رسد، عیدی را می آورند که می گوید: پروردگارا! د روزندگیم عملی را سراغ ندارم، مگر این که در دنیا مالی ارزانیم کردی، و من با آن به فقیران کمک می کردم، اگر نمی توانستند وام را بازپرداخت کنند بر آنان سخت نمی گرفتیم. خدای متعال می گوید: من به مدد رسانی به تو سزاوارترم، تو فریادرس می خواهی. آن گاه فرمان می دهد که از خطاهایش بگذرند.

ابوسعبد انصاری می گوید: شهادت می دهیم که حذیقه این گفته را از پیامبر (ص) شنیده است (مستدرک ۴۱۲/۱۲).

امام باقر (ع): ثلاث خصال هن من احب الأعمال الى الله: مسلم اطعم مسلماً من جوع و فكك عنه كربة وقضى دينه (وسائل ۵۳۷/۱۶). سه ویژگی از پسندیده ترین کارها نزد خدا است: این که مسلمانی را از گرسنگی نجات دهد، گرفتاریش را برطرف سازد و دینش را بپردازد.

امام صادق (ع): من اشبع جاعاً أجرى الله نهراً في الجنة (همان ۵۴۶/۱۶). هر که گرسنه ای را سیر سازد، خدای نهری در بهشت برایش جاری می کند.

۷ - پیامبر (ص) به روایت امام صادق (ع): إذا (تصامت) (تصامت) امتی عن سائلها و مشت بشيختر حلف ربی عزوجل بمرته فقال: يعزتي و جلالی لأعطين



در بینش دین بینوایان در اموال ثروتمندان شریکند.<sup>۱۰</sup> غفلت از این امر و نادیده انگاشتن سهم شریکان، گناهی است بزرگ و خطایی است نابخشودنی، که ریزبیتانه و سخت، حسابرسی می‌شود؛<sup>۱۱</sup> چه در حلال دنیا حساب است و در حرام آن عقاب<sup>۱۲</sup> و مال و امکانات - که به امانت به آدمی سپرده می‌شود - ایزاری است برای آزمایش و امتحان.<sup>۱۳</sup>

و زندگی در این جهان با همه دل‌آویزیها، زرق و برقهها و هوسها<sup>۱۴</sup> بسیار اندک است. نعمتها و امکانات در این دنیا با آن که خیره کننده و شگفت‌انگیزند، ناچیزند،<sup>۱۵</sup> روزهای عمر و لحظه‌های زندگی بسرعت می‌گذرد، دیر یا زود مرگ فرا می‌رسد، و آدمی در دل تیره خاک جای می‌گیرد<sup>۱۶</sup> و همچون مسافری باید راهی جهان پس از مرگ شود؛<sup>۱۷</sup> جهانی که در آن ایمان و عمل صالح کار است،<sup>۱۸</sup> و امتیازها و برخوردارگی از نعمتهای آن توصیف ناشدنی است،<sup>۱۹</sup> و اینها همه به نیکی، پاک‌نهادی، رعایت در ماندگان و

بعضی بعض (وسایل ۲۹۳/۶). هرگاه اتم از بی‌نویان غافل شوند و به آنها توجه نکنند و تکبر و خودخواهی در میان آنان رواج یابد، خدای متعال به عزت و جلالت سوگند یاد کرده که بعضی از آنها را به وسیله بعض دیگر عذاب کند.

امام سجاده (ع): والذنوب التي تحبس غیث السماء... قساوة القلوب علی اهل الفقر والفاقة (مستدرک ۹۶/۱۲) سنگدلی نسبت به فقیران و نیازمندان از گناهانی است، که مانع نزول باران می‌شود.

۸ - پیامبر (ص): ان الله عباداً اختصهم بالنعمة یقرها فیهما ما یذلوها للناس فاذا منوها حوّلها منهم الی غیرهم (میزان الحکمة ۱۰۹/۱۰). در میان مردمان خدا بندگانی را از نعمت فراوان تر برخوردار می‌سازد و تا زمانی که در راستای منافع مردم آن را هزینه کنند امکانات را در اختیارشان می‌گذارد، و هرگاه به ویژه‌سازی رو آورند و مانع استفاده دیگران شوند، خدا نعمتها را از آنان می‌ستاند و به دیگران می‌سپارد.

امام علی (ع): من یسط یدہ بالانعام حصن نعمته من الاتصرام (همان‌جا). هر که دیگران را از امکانات برخوردار سازد، نعمتش را در برابر نابودی بیمه کرده است

امام علی (ع): سبب زوال الیسار منع المحتاج (همان ۳۵۵/۴). عامل از بین رفتن ثروت و توانمندی، خودداری از نیاززایی و رسیدگی به محرومان است.

امام صادق (ع): من عظمت نعمة الله علیه اشتدت مؤنة الناس الیه، فاستدیمو النعمة باحتمال المؤنة و لاتعرضوها للزوال (همان ۱۰۹/۱۰). هرکس نعمت خدا بر او افزون شود تکلیف پذیرش هزینه‌های مردمان بر او زیاد می‌گردد، از این رو آدمی باید بایزاری نعمتها را یا تحمل هزینه‌های مردمان تضمین کند و با کجرفتاری در این زمینه امکانات و توانمندیهای خود را در معرض نابودی قرار ندهد.

۹ - امام علی (ع): مازالت نعمة عن قوم و لاغضارة عیش إلا یدنوب اجترحوها، ان الله لیس بظلام للعبید (مستدرک ۳۷/۱۲). همانا خدا بر بنده‌ای ظلم نمی‌کند (و نسبت ستم خدا بنداری خام است)، هر جامعه‌ای که از نعمتها و زندگی دل‌پذیر محروم می‌شوند به خاطر گناهان و خطاهایی است که در پیش می‌گیرند.

۱۰ - امام صادق (ع): ان الله تبارک و تعالی، اشرك بین الاغنیاء و الفقراء فی الاموال. خدای متعال، ثروتمندان و بینوایان را در اموال شریک قرار داد...» (معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی ۲۴۲).

۱۱ - امام علی (ع) به روایت امام صادق (ع): ان الله عزوجل فرض علی اغنیاء الناس فی اموالهم، قدر الذی یرسع فقراءهم، فان ضاع الفقیرو، او اجهد، او عری، فیما یرسع الغنی، فان الله محاسب الاغنیاء فی ذلک یوم القیامة، و معذیهم به... عذاباً الیماً (الحیة ۲۶۴/۶). خداوند آن اندازه مال که فقرا را بسنده کند در اموال ثروتمندان واجب کرده است. بنابراین اگر فقیری فاقد توان اقتصادی است و در تدارک و سختی یسر می‌برد، و یا عریان است، به خاطر خودداری ثروتمندان از ادای حقوق مالی است. و خدا آنان را روز قیامت در این باره بازخواست و حسابرسی می‌کند، و شدت عذاب خواهد کرد.

۱۲ - امام علی (ع): فی حلالها [الدنیا] حساب، و فی حرامها عقاب (میزان الحکمة ۳۸۹/۶). در حلال دنیا حساب است و در حرام آن عقاب.

۱۳ - و لا تمئن عینک الی ما متعنا به ازواجاً منهم زهرة الحیة الدنیا لتفتنهم فیه (طه ۱۲۷). به این رزق و برق دنیا که کسانی چند از ایشان را از آن برخوردار ساخته‌ایم تا آزموشان کنیم، چندان متکرر...

پیامبر (ص): ان القوم سیفتنون بعدی باموالهم (الحیة ۳۰۴/۳). بعد از من مردمان به وسیله اموالشان آزمایش خواهند شد.

۱۴ - اعلموا انما الحیة الدنیا لعب و لهو و زینة و تفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد - (حدید ۲۰). «بدانید که زندگی این جهان بازی است (چون بازی کودکان) و سرگرمی (چون سرگرمی برنایان) و آرایشی (چون آرایش زنان) و تازیدنی به یکدیگر (چون تازیدن دنیا داران) و فزونخواهی دارایی و فرزندان برای فخر فروشی...» (ترجمه الحیة ۴۰۱).

۱۵ - ارضیتم بالحیة الدنیا من الآخرة فما متاع الحیة الدنیا فی الآخرة الا قلیل (توبه ۳۸). آیا به زندگی دنیا راضی شده‌اید، و آن را بر آخرت ترجیح می‌دهید؟! بهره زندگی دنیا در برابر آخرت اندک است.

۱۶ - امام علی (ع): «... اما رأیتهم الذین یاملون بعداً، و یبتون متبداً، و یجمعون کثیراً کیف اصیحت بیوتهم قبوراً، و ما جمعوا برباً... آیا کسانی را که آرزوهای دور و دراز دارند، و بناهای استوار می‌افرازند، و مال فراوان گرد می‌آورند ندیده‌اید؟ که چگونه خانه‌هاشان گورستان شد، و آنچه گرد آورده بودند از دست رفت...» (ترجمه الحیة ۴۰۳).

امام علی (ع): «الدنیا دار سمر، لا دار مقر، دنیا خانه گذرکردن است نه خانه ماندن...» (همان ۴۸۹/۳).

۱۷ - پیامبر (ص): «کونوا فی الدنیا اسیافاً - در دنیا همچون مهمان باشید» (همان ۴۸۸/۳).

۱۸ - و اما الذین امنوا و عملوا الصالحات فیوفیهم اجرهم (آل عمران ۵۷). کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیکو کردند، خداوند پاداش آنان را تمام می‌دهد.



ناتوانان، گشادهدستی، گذشت و رفتار و کردار درست و انسانی در این جهان بستگی دارد،<sup>۲۰</sup> و عذابهایی آن جانکاه و سوزنده،<sup>۲۱</sup> و شکنجه‌های دردآور آن به میزان جفاها، ناپاکیها خوشگذرانیهای نامشروع و خودپرستیهاست،<sup>۲۲</sup> و درخور تقصیرها و غفلتها.<sup>۲۳</sup>

ز - غنا در قناعت است؛<sup>۲۴</sup> یعنی بسندگی در مصرفها و هزینه‌ها، به آن مقدار که دین می‌پسندد و در سطحی که تعالیم دین تعیین کرده‌است.<sup>۲۵</sup>

غنا ی واقعی در اصالت دادن به اندیشه‌هاست،<sup>۲۶</sup> و در این که انسان دل را از آلايشها پاک سازد،<sup>۲۷</sup> و این کانون ایمان را مظهر دانش و بینش<sup>۲۸</sup> و گذشت کند؛ و مددکار جامعه باشد؛<sup>۲۹</sup> و با کمک به درماندگان و دلجویی از آسیب پذیران و ناتوانان، مسلمانی خود را بیازماید؛<sup>۳۰</sup> و با نغمه نوع دوستی به یاری مردمان برخیزد، و یکدل و پاکنهاد و با همه توان در خدمت به حق و حقیقت بکوشد.<sup>۳۱</sup>

ح - دین شخصیت کاذبی را که سرمایه‌داری برای افراد می‌سازد به هیچ می‌انگارد،<sup>۳۲</sup> و انسانها را آگاه می‌کند که پلیدی، زراندوزی و بی‌عدالتی را حجاب چهره جان خود نسازند<sup>۳۳</sup> و شیفته زندگی سراسر مادیت نگردند،<sup>۳۴</sup> و در راستای تقویت فکر مساوات افراد بشر<sup>۳۵</sup> همه معیارهای امتیاز را درهم شکنند<sup>۳۶</sup> و به خاطر ثروت و قدرت در برابر ثروتمندان سر فرود نیاورند،<sup>۳۷</sup> و شرم‌آورانه در

و ما اموالکم و اولادکم بالتي تقربكم عندنا زلفى، الا من امن و عمل صالحاً (سبا/۳۷). مالها و فرزندان شما چیزی نیست که بر مقام شما در نزد ما بیفزاید، مگر این که ایمان و عمل صالح داشته باشید.

۱۹ - وسارعوا الى مغفرة من ربكم و جنة عرضها السموات و الارض (ال عمران /۳۳). بشتابید به سوی مغفرت پروردگارتان و بهشتی که به بهینه و گستردگی آسمانها و زمین است.

مثل الجنة التي وعد المتقون فيها انهار من ماء غير آسن و انهار من لبن لم يتغير طعمه و انهار من خمر لذة للشاربين و انهار من عسل مصفى و لهم فيها من كل الثمرات (محمد/۱۵). نمونه بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده‌است، تصور جا و مکانی است که در آن رودهای فراوانی جاری است، رودهایی از آبی که نمی‌گندد، نهرهایی از شیر که طعم آن به مرور زمان ترش و نامطبوع نمی‌شود، رودهایی از شراب گوارا و لذت‌بخش، رودهایی از عسل خالص؛ و انواع میوه‌ها و خوردنیها در آن موجود است.

۲۰ - ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة (توبه /۶۱). خدا در برابر ایثارگری جانی و جهاد مالی، بهشت را ارزانی مؤمنان می‌کند. امام علی (ع) من الجنة، العمل الصالح (میزان الحکمة ۹۳/۲). بهای بهشت، عمل صالح است.

۲۱ - لواح لالبشر (مذثر /۲۹). عذاب دوزخ، پوست را بریان می‌کند. ما واهم جهنم كلما خبت زناهم سعيوا (اسرا/۹۷). جایگاه گمراهان جهنم است، هر گاه آتش آن فروکش کند، شعله‌ور ترش سازیم (تا سوزندگیس فزونیتر شود).

۲۲ - ان جهنم... للطاغين مايا (تبا /۲۶). جهنم، جایگاه طغیانگران است و انما القاسطون فكانوا لجهنم حطباً (جن /۱۵). ستمگران، همیشه دوزخند.

۲۳ - جزاء وفاقاً (تبا /۲۶). عذابهایی دوزخ برابر با خطاها و ناپکاریهاست.

۲۴ - امام علی (ع) «الغنى من استغنى بالقناعة. بي‌نیاز کسی است که با قناعت بی‌نیازی کند.» (ترجمه الحیاة ۴۵۰/۳).

۲۵ - امام کاظم (ع) «من قنع بما يكفيه استغنى. هر کس به آنچه او را بسنده‌است قناعت کند بی‌نیاز است.» (همان ۴۵۱/۱).

امام هادی (ع) «الغنى قلة تمسك والزنا بما يكفیک. بی‌نیازی اندک بودن آرزوی تو است و قانع بودن به اندازه کفاف.» (همان جا).

۲۶ - امام علی (ع) «لا غنى مثل العقل. هیچ غنا و دارایی همچون عقل نیست.» (همان ۴۴۸/۳).

۲۷ - امام باقر (ع) «اهل التقوى هم الاغنياء. پرهیزگاران بی‌نیازند.» (همان ۴۳۷/۳).

۲۸ - امام علی (ع) «ولكن الخير ان يكثر غمك و ان يعظم حلمك. بلکه خیر جز آن است که علمت افزونی و بردباریت بیشتر شود.» (همان ۴۴۵/۳).

۲۹ - امام علی (ع) «خير الناس من تحفل مؤونة الناس (میزان الحکمة ۲۱۵/۳). بهترین مردمان آنانند که بار زندگی دیگران را بر دوش دارند.

۳۰ - پیامبر (ص) به روایت امام صادق (ع) «من سمع رجلاً ينادى: يا للمسلمين! قلم يجهه فليس بمسلم. کسی که فریاد «مسلمانان به دادم برسید» را از کسی بشنود و اجابت نکند مسلمان نیست.» (ترجمه الحیاة ۴۱۶/۱).

۳۱ - فماذا بعد الحق الا الضلال... (یونس /۳۲). جز حق هر آنچه هست گمراهی است.

امام باقر (ع) به روایت امام صادق (ص) «قم بالحق (میزان الحکمة ۴۷۰/۲). برای حق برخیز.

امام علی (ع) «خض القموات الى الحق حيث كان. به خاطر حق، در هر جا باشد، خویشتن را به کام امواج سهمگین درافکن.» (ترجمه الحیاة ۴۸۳/۳).

۳۲ - و ما الحیاة الدنيا الا متاع العرور (حدید /۲۰). زندگی دنیا جز کالایی (فانی و) گول‌زننده نیست.

امام علی (ع) «الغنى يسوء غير السيد. المال يعوى غير الأيد (الحیاة /۶۷/۴). ثروت و امکانات، انسان دون مایه را بزرگ می‌نمایاند، و ناتوانان را برومند.

۳۳ - امام علی (ع) «من كساه الغنى ثوبه، خفى عن العيون عيبه (همان ۲۹/۴). جامه ثروت، عیبها را پوشیده نگه می‌دارد.

امام علی (ع) «كثرة المال يقصد القلوب. فزونی مال دلها را تپاه می‌کند.» (ترجمه الحیاة ۳۸۰/۳).

۳۴ - پیامبر (ص) «شر ائمتي الاغنياء. بدترین افراد ائمت من توانگرانند.» (همان ۳۸۱/۳).

امام علی (ع) «من احب الذینار و الدرهم فهو عبد الدنيا. هر کس دینار و درهم (یول) را دوست بدارد، بنده دنیا است.» (همان ۳۹۸/۳).

۳۵ - پیامبر (ص) ان الناس من عهد آدم الى يومنا هذا مثل استان المشط، لافضل للعربى على العجمى، و لا للاحمر على الأسود، الا بالتقوى (الحیاة /۱۲۵/۵).



برابر توانمندان چا پلوسی نکنند و به گزاف کسی را نستانند.<sup>۳۸</sup> و از افکار و رفتار زبردستان و زورمندان فاسد و عیاش پیروی نکنند، و بر شادخواریها و خوشگذرانیهای آنان صحه نگذارند.<sup>۳۹</sup>

ط. زندگی آسایش بخش و معقول و دلخواه دین، زیست در حد کفایت است،<sup>۴۰</sup> که در پر تو آن انسان دینی بر خود لازم می‌داند راهی بدور از افراط و تفریط در پیش گیرد!<sup>۴۱</sup> و در حد میانه به بهره‌برداری از مواهب طبیعی ادامه دهد.<sup>۴۲</sup>

### ۳- مالیاتها

اقت مالیاتی که اسلام در ثروتها و درآمدها معین کرده است، دامنه‌ای وسیع و گسترده دارد. برخی از آنها مانند خمس<sup>۴۳</sup> و زکات<sup>۴۴</sup> و حق معلوم<sup>۴۵</sup> واجب و الزامیند، بعضی چون «انفاقات»<sup>۴۶</sup>، «صدقات»<sup>۴۷</sup>، و... شاخص دین یاوری، نوع دوستی، رشد اجتماعی، و دستیابی به مراتب برین و مراحل گوهرین سعادت و کمال به شمار می‌روند.<sup>۴۸</sup> تشویقها و تهدیدهای دین<sup>۴۹</sup> درباره کمکهای مالی، در تعدیل ثروت،

از زمان آدم (ع) تا به امروز مردمان چون دانه‌های شانه با هم برآیند، عرب بر غیر عرب فضلی ندارد و نژاد سوخ از سیاه برتر نیست مگر به تقوا.  
۳۶- امام صادق (ع): «... من ذهب یری ان له علی الآخر فضلاً فهو من المستکبرین. کسی که در خود نسبت به دیگری برتری ببیند، از مستکبران (خود بزرگ‌نمایان) است.» (ترجمه الحیة ۳/۳۹۲/۳).

۳۷- امام علی (ع): «من آتی غنیاً فتواضع له لفناء، ذهب ثلثا دینه. هرکس نزد توانگری برود و برای توانگری او در برابرش تواضع کند، دو سوم دینش بر باد رفته است.» (همان ۳/۴۵۹/۳).

۳۸- پیامبر (ص): «من عظم صاحب دنیا و احبه لطمع دنیا، سخا لله علیه و کان فی درجه مع قارون فی التابوت الأسفل من النار. هرکس دنیا دار را بزرگ شمارد و به طمع دنیا او را دوست بدارد، خدا بر او خشم می‌گیرد، و در پایینترین تابوت (زندان) دوزخ، جایی همچون قارون خواهد داشت.» (همان ۳/۴۵۸/۳).

۳۹- امام علی (ع): «ألا قال الحذر، الحذر، من طاعة ساداتکم و کبرائکم، الذین تکبروا عن حسابهم، و ترفعوا فوق نسبهم، القوالهجینة علی ربهم، و جاحدوالله علی ما صنع بهم مکاراة لفضائه، و مغالیه لآلایه، فانهم قواعد أساس المصیبة. آی مردم! حذر، حذر، جز از اطاعت سوران و سردمداران خود، یعنی آنان که به شرف و تبار خویش بزرگی فروختند، و خود را برتر از نسب خویش جای دادند، و پروردگار خود را مسؤول این زندگی زشت (محرومان و ضعیفان - که خود مسؤول آنند) معرفی کردند، و نیکیها و نعمتهای خداوند را (با پر رویی) از خداوند ندانستند، تا در برابر قضای او گردنکشی کرده باشند و نعمتهای او را ناچیز انگاشته باشند؛ اینان شالوده‌های بنیادین گروهگرایی (تعصیبات روران جاهلیت) اند.» (ترجمه الحیة ۳/۳۹۲/۳).

۴۰- پیامبر (ص) به روایت امام صادق (ع): طوبی لمن... کان عیله کافاً (همان ۳/۲۷۲/۳)، خوشا به حال کسی که از زندگی در حد کفایت بهره‌مند است.  
امام صادق (ع): «إذا أحب الله عبداً ألهمه الطاعة... و فقهه فی الدین... فاکتفی بالکفاف (همان ۳/۲۷۲/۴). وقتی خدا بنده‌ای را دوست بدارد، فرمانبرداری (از خدا را) در دلش می‌افکند... و درک درست از دین را به او ارزانی می‌دارد. پس او به زندگی در حد کفایت بسنده می‌کند.

۴۱- امام علی (ع): «... و کل افراط له مفسد و کل تقصیر به مضر (تهج البلاغه فیض الاسلام ۱/۱۱۳۶). هر افراطی انسان را تباه می‌کند و هر تفریطی برای وی زیان آور است.

۴۲- امام علی (ع): «من اقتصد فی العنی و الفقیر، فقد استعد لتواب الذهر. کسی که در توانگری و فقر میانه‌رو باشد، آماده برخورد با پینشامدهای روزگار هست.» (ترجمه الحیة ۳/۲۷۲/۳).

۴۳- و اعلموا انما غنمتم من شیء فان الله خمسته و للرسول و لذی القربی و الیاتی و المساکین و ابن السبیل ان کنتم اهتمتم بالله (انفال ۴۱)، اگر به خدا ایمان دارید، بدانید که بیست درصد هر فایده و درآمدتان، از آن خدای پیامبر و خاندان و دودمان اوست، و همچنین ویژه یتیمان، بی‌نویان و راه‌ماندگان است.

۴۴- انما الصدقات للفقراء و المساکین... و الفارمین و فی سبیل اللہ (توبه ۶۰). زکات برای (ارتقای سطح زندگی) فقیران و مسکینان است، و برای نجات و رشکستگان مالی و بدهکاران و انجام و سامان کارهای خدا پسندانه.

امام کاظم (ع): انما وضعت الزکاة قوتاً للفقراء و توفیراً لأموالهم (وسائل ۴/۴۱۶). زکات برای سامان معیشتی مستمندان و تأمین هزینه‌های جاری آنان وضع گردیده است، و همچنین برای افزایش داراییها و توانمندیهای مادی آنان.

۴۵- فی اموالهم حق معلوم البناتل و المحرووم (ذاریات ۱۹۱). در اموال ایشان حقی است معلوم، برای سائلان و محرومان.

۴۶- منا رزقناهم ینفقون، اولئک هم المؤمنون حقاً (انفال ۴۱-۳). مؤمنان حقیقی و راستین آنانند که از آنچه روزیشان کردیم (و از اموالی که در اختیار دارند) اتفاق می‌کنند.

امام صادق (ع): المؤمن... أنفق الفضل من ماله (الحیة ۳/۴۴۴/۵). مؤمن کسی است که مال مازاد بر نیاز خود را (در راه خدا) اتفاق می‌کند.

۴۷- یمحق الله الزبیا و یری الصدقات (بقره ۲۷۶). خدا (آنچه را از طریق) ربا (به دست می‌آید) نابود می‌کند و (آنچه را انسان خدا پسندانه به نیازمندان) صدقه می‌دهد (و کمک مالی می‌کند)، افزون می‌سازد.

امام باقر (ع): البز و الصدقة ینقیان الفقر... (میزان الحکمة ۳/۲۲۲/۵). نیکوکاری و دادن صدقه که نشانه صداقت در ایمان و خلوص به خداست - فقر را از بین می‌برد.

۴۸- و انفقوا فی سبیل الله و لا تلتفوا بأیدیکم الی التهلکة (بقره ۱۹۵). در راه خدا اتفاق کنید، و به دست خویش خود را در هلاکت مینفکنید.

۴۹- امام علی (ع): ان لله عبداً یختصهم الله بالنعم لمتاع العباد، فیتقوا فی ایدیهم ما بذلوا، فاذا ستموها نزعها منهم ثم حوّلها الی غیرهم.



و زدایش فقر نقش مهمی دارد<sup>۱</sup> و با کاهش افسردگی، خستگی و فشار معیشتی فقیران ایجاد عدالت اقتصادی - اجتماعی را ممکن می‌سازد و سرانجام همگان موظفند از اصل اموال خود، برای رفع کمبودهای فردی و اجتماعی، هزینه کنند تا مرزی که نیازها برطرف شود.<sup>۲</sup>

گذشته از این، وظیفه دولت اسلامی است که عدالت را در همه ابعاد آن و نسبت به همه افراد و همه زمینه‌ها در جامعه تحقق دهد و در سیاست‌گذاریها و برنامه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود آن را اساس و معیار قرار دهد، و با محوریت عدالت، بستر فعالیت اقتصادی و زیست مناسب را برای مردمان فراهم کند. این امر اقتضا می‌کند که دولت بر مبنای عدل و انصاف و به میزان نابرابریها و وجود ثروتها در جامعه و شاخص نیاز و مصلحت از توانمندان، مالیات بگیرد و مانع رشد ثروتهای کلان و نامشروع شود، و در برابر هر نوع انحصارطلبی در حقوق مردم، بایستد و جامعه‌ای سراسر عدل و رفاه پدیدآورد.

#### ۴ - توزیع بخشی از درآمدها به طبقات کم درآمد

از راهکارهای سودمند و چاره‌ساز در سخن امام علی که می‌تواند در ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه نقش فعال ایجاد کند، و زمینه مناسب برای تکاپوی اقتصادی فقیران و بهبود سطح زندگی طبقات فرودست فراهم آورد، اختصاص بخشی از درآمدهای جامعه به آنان است.<sup>۳</sup> که خود می‌تواند زندگی اجتماعی آنها را در رهگذر روزگار استوار سازد، و از اندوهشان بکاهد، و نگرانی و افسردگی و پژمردگی را از دامنشان بزداید و استعدادهايشان را شکوفا سازد. و در نتیجه توان یابند از میانی استوار آرزوی و مواضع انسانی خود دفاع کنند و با حفظ شرف انسانی خویش و حصول توانایی در زندگی حال، برای آینده بگونه‌ای برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی کنند که رشته زندگی و حیات اقتصادی آنها کمتر در معرض تهدید استثمارگران قرار گیرد، و مجبور نشوند چون بردگان به دنیاواران خدمت کنند، و کار و کالای خویش را به بهای اندک در اختیار سرمایه‌داران قرار دهند.

#### ۵ - پیوند اقتصادی خانوادگی

پیوند اقتصادی - اجتماعی در سطح خویشاوندان که به «صلة رحم» معروف است، هدفی است پاک و مقدس، که امام علی<sup>۴</sup> بر آن انگشت تأکید نهاده است.<sup>۵</sup> خویشاوندان از یکدیگر بیشتر آگاهند، از دار و ندار هم باخبرند، و اطلاعات درست، همه جانبه و دقیق دارند. از این رو در تعالیم دین سفارش شده است که برای نیل به کمال و عروج روح و تعالی جان و دریاف جوهر زندگی<sup>۶</sup> و رشد

(الحیة ۴۷۸/۵). خدا به بعضی از انسانها امکاناتی می‌دهد تا آن را در راستای منافع مردمان به کارگیرند، آن گاه که چنین کنند نعمتها در دستشان باقی می‌ماند، و هرگاه مانع استفاده دیگران شوند، خدا نعمتها را از آنان می‌ستاند و به دیگر کسان می‌سپارد.

۱ - امام صادق<sup>۷</sup>: لو ان الناس اذنا حقوقهم لكانوا عايشين بخير (الحیة ۲۲۷/۴). اگر مردم حقوق مالی خویش را بپردازند، همه رفاه و آسایش می‌یابند. امام رضا<sup>۸</sup>: إنما امرنا بالصوم لكي يعرفوا ألم الجوع والعطش... و ليعرفوا شدة مبلغ ذلك على أهل الفقر والمسكنة في الدنيا فيؤثروا اليهم ما افترض الله لهم في أموالهم (وسایل ۴/۷). مردمان به روزه گرفتن فراخوانده شده‌اند تا درد گرسنگی و تشنگی را (در مدت زمانی محدود) دریابند. و سختی زندگی فقیران و درماندگان را (که همواره در جنگال فقر و گرسنگی‌اند) بشناسند (و لمس کنند). و حقوق مالی واجب را که خدا در اموالشان قرار داده بپردازند (تا بخشی از نیازمندیهای مستمندان تأمین شود و رنج و درد گرسنگی‌شان کاستی پذیرد).

۲ - والذین فی أموالهم حق معلوم، للشارئ والمحرور (معارج ۵/ ۲۴). (نمازگزاران آناند که) در اموالشان حقی معلوم برای سائل و محروم است. قول للمصلین، الذین هم - یمتعون الماعون (ماعون ۷/ ۵ و ۴). وای بر آن دسته از نمازگزاران که از دادن ماعون (وسایل خانه و اسباب زندگی به دیگران که نیازمندند) خودداری می‌کنند.

لینفق دوسعة من سعة، و من قدر علیه رزقه فلینفق منا أمأله... (ملاحق ۷). آن که توانمند است باید به اندازه توانایی خود انفاق کند، و کسی که توانمندی اقتصادی لازم را ندارد، باید از آنچه در اختیار دارد انفاق کند.

۳ - امام علی<sup>۹</sup>: (در عهدنامه مالک) **بسم الله! الله! فی الطبقة السفلی... واجعل لهم قسماً من بیت مالک و قسماً من غلات صواقی الاسلام فی کل بلد**. خدا، در کار طبقه فرودست، ... سهمی از بیت‌المال خود را مخصوص ایشان قرار ده، نیز در هر شهر قسمتی از محصول زمینهای غنیمتی را به آنان مخصوص دار. (ترجمه الحیة ۴۰/۲ - ۳۹).

۴ - امام علی<sup>۱۰</sup>: **فمن أمأله مالا فلیصل به القرابة (الحیة ۵۲/۶)**. هر که را خدا مال (و امکانات و توانمندی اقتصادی) داده‌است، باید با آن خویشاوندان و نزدیکان خود را بوشش دهد (سطح زندگی آنها را با سطح زندگی خود پیوند دهد و وصل کند).

۵ - امام صادق<sup>۱۱</sup>: **صلة الأرحام تحسن الخلق... و تطیب النفس (میزان الحکمة ۸۴/۴)**. صلح رحم خلق و خوی انسان را نیک می‌کند - و جان و روان را پاکیزه می‌سازد.





اقتصادی درست،<sup>۱</sup> بجاست هرکس در فامیل خود بنگرد، مشکلات مختلف آنها را دریابد، و درحد توان برای تأمین نیازمندیهای زندگی آنان در بستر حیات فردی و اجتماعی تلاش و کوشش کند،<sup>۲</sup> و از شکل‌گیری فاصله‌های طبقاتی و نابرابریهای اقتصادی در سطح فامیل و بحرانهای اقتصادی خانوادگی جلوگیری کند و در نتیجه همراه با همبستگی روانی خانواده، همگونی در زیست اجتماعی پدید آید، و به این وسیله خصلتهای انسانی، میانی تربیتی و سیمای معنوی انسانها رشد کند، عمرها افزون شود،<sup>۳</sup> دشواریها و موانع و تنگناها برطرف گردد،<sup>۴</sup> و با این شیوه خردمندانه و بینش واقع‌بینانه<sup>۵</sup> ناخوشیها و اندوهها پایان گیرد، و با استواری زندگیها،<sup>۶</sup> مردم به سوی دنیایی آباد و توسعه پایدار گام بردارند.<sup>۷</sup>

## ۶- نفی تبعیض طبقاتی و نژادی

انسان دین‌باور با همه وجود و با تاروپود جان و روان خود مخالف تبعیض طبقاتی و نژادی است، و باور دارد که این امر برخلاف فطرت و انسانیت انسان است. این معنا نیز در سخنان امام علی<sup>(ع)</sup> درخشش ویژه دارد و فریادی است رعدآسا.<sup>۸</sup>

تبعیض پیامدهای نامطلوب دارد، و در تمام دوران تاریخ، آدمی را رنج داده، و او را در کوره بیداد تبعیض گذاخته است. و به صورت اکتی در برابر تمدن‌ها، پیشرفت و سعادت انسانها جلوه‌گر شده است.

با اندک تأمل، مطالعه و بررسی تعالیم دینی و آموزه‌های پیام‌آوران، به آسانی می‌توان دریافت که وجهه ارزش، اعتبار و امتیاز انسان در آراستگی به برهیزگاری و اوصاف و کمالات اخلاقی و انسانی است. رنگ پوست، نژاد خاص، پیشینه وراثتی و فامیلی، زشتی و زیبایی و جنس خاص (زن یا مرد) به خودی خود فضیلت ندارد و مایه برتری نیست.<sup>۹</sup> امتیازجویی با تکیه بر این پندارها نوعی آلودگی روحی و مخالف با جنبه‌های انسانی است. و از عواملی است که جانمایه‌های اندیشه و جوهر روح و فکر و استعدادها را تباہ می‌سازد و به نازیبا اندیشه‌ها و سترونی بینشها می‌انجامد و با نامتعادل ساختن زندگیها، زیست آدمی را از هدف و مقصود عالی و حیات سازنده و ماندگار دور می‌کند و با ایجاد فضای تردید و تزلزل به انحطاط و سقوط جامعه انسانی می‌انجامد.<sup>۱۰</sup>

## ۷- اصلاح نظام آموزشی

بسیاری از نابرابریهای اقتصادی - اجتماعی و اختلاف فاحش سطح زندگیها و فرامدها با میزان دستیابی به علوم و فنون و کسب مهارتهای علمی و تخصصها رابطه‌ای مستقیم دارد، و نظام آموزشی راهی است برای دراختیار گرفتن پستها و مسؤولیتهای مهم و

۱- پیامبر(ص): صلوة الرحم عمر الذیار... (همان ۸۵/۴). صلوة رحم به آبادانی سرزمینها می‌انجامد.

۲- پیامبر(ص): صلوا ارحامکم فی الدنیا... (همان ۸۹/۴). با خویشان خود صلوة رحم کنید.

۳- پیامبر(ص): صلوة الرحم... تزید فی الأعمار (همان ۸۵/۴). صلوة رحم بر عمرها می‌افزاید.

۴- پیامبر(ص): صلوة الرحم... تنفی الفقر (همان ۸۴/۴). صلوة رحم، فقر (و مشکلات اقتصادی) را برطرف می‌سازد.

امام باقر(ع): صلوة الأرحام... تدفع البلوی (همان). صلوة رحم بلاها را دفع می‌کند.

۵- انما ینذکر اولوا الالباب... الذین یصلون ما امر الله به ان یوصل (رعد/ ۲۱ و ۲۲). آخر عهدشان، حقایق رهنمودها و تعالیم دین را درمی‌یابند... کسانی که

به وصل و پیوندی که خدا خواسته عمل می‌کنند.

۶- امام حسین(ع): من سره ان... یزاد فی رزقه، فیصل رحمة (میزان الحکمة ۸۴/۴). هرکه می‌خواهد بر روزیش افزوده شود و شادمان گردد، باید صلوة رحم

کند.

۷- پیامبر(ص): ان القوم لیکونون فجرة... فیصلون ارحامهم فتسی اموالهم... فکیف اذا کانوا ابراراً بررة (همان ۸۵/۴). فاسقان که صلوة رحم می‌کنند، رشد

اقتصادی می‌یابند و داراییهایشان افزون می‌شود، پس چگونه خواهید بود زمانی که نیکان صلوة رحم کنند؟

۸- امام علی(ع): ان آدم لم یلد عبداً ولا امة، و ان الناس کلهم احرار... و ان قد حضر شیء و نحن مسؤون فیه بین الاسود و الأحمر... (الحیة/ ۱۲۹/۵).

حضرت آدم(ع) برده و کنیز نژاده است، مردم همه آزادند... بدانند! مقداری مال (نزد ما) گرد آمده است که آن را به تساوی بین سیاه و سرخ تقسیم می‌کنیم.

۹- یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عند الله اتیکم (حجرات/ ۱۲). «ای مردمان! ما شما را از مردی و

زنی آفریدیم، و به صورت ملت‌ها و قبیله‌ها در آوردیم، تا با یکدیگر آشنا شوید (نه آنکه تفاخر کنید و بزرگواری فروشید که بزرگواری انسان به ملیت و قبیله و رنگ و نژاد نیست) و همانا بزرگواری‌تر از میان شما نزد خدا آن کسی است که برهیزگارتر باشد» (عصر زندگی ۱۵۴).

۱۰- پیامبر(ص) به روایت امام صادق(ع): ایها الناس ان الله قد اذهب عنکم نخوة الجاهلیة و تفاخرها بابائها (واقی ۸۷۶/۵) ای مردمان! خدا (با تعالیم زندگی

ساز اسلام) خودپرستی و بزرگ‌منشی جاهلیت، و مباحات به نیاکان (قبیله و نژاد) را از شما دور کرده است.

امام باقر(ع): ثلاثة من عمل الجاهلیة: الفخر بالأنساب، و العطن بالأنساب (وسائل ۷۰/۵ - ۱۶۹). نازیدن به نیاکان و شرافت فامیلی (و نژاد برتر)، و

کنایه‌مزدن و سرزنش کردن به آن، (نشانه فرهنگ عقب مانده) جاهلیت است.



درآمدزای جامعه و رشد و پیشرفت فردی و اجتماعی. از این رو اصلاح این نظام، نقش مهمی در حاکمیت عدالت در جامعه دارد. بجاست همه افراد جامعه از فرصتهای آموزشی برابر برخوردار شوند<sup>۱</sup> و بستر پرورش فکر، رشد دانش و بینش و آفرینشهای ابداعی و ابتکاری و ارتقای سطح فرهنگ و آگاهیها برای همگان فراهم آید و رشد علمی حالت طبقاتی، وراثتی و خانوادگی نیابد، و ثروت توانمندان کوشش و تلاش خستگی ناپذیر و بی‌امان گروههای کم‌درآمد جامعه را برای رسیدن به مراحل بالای علمی عقیم نسازد. وجدان انسانی و امانت علمی اقتضا دارد که عالمان بدور از تبعیض و تعصب، علم را به افراد با صلاحیت و لایق بیاموزند، به دانش پژوهان یکسان بنگرند، و با جانبداری از مسکینان و گروههای فرودست جامعه آنان را در رقابت علمی سالم یاری رسانند<sup>۲</sup> تا با همراه ساختن علم و عمل به امیدها و آرزوهای بحق و انسانی خویش دست یابند، اعتماد به نفس خود را بازیابند و احساس شخصیت کنند و با همتی بلند در آفاق دانش سیر کنند و با تلاش فکری راه‌للهای مناسب برای مسائل زندگی بیابند و دیگر بار در نظام اجتماعی جای پای استوار و مناسب بیابند.

## ۸ - محدودیت در مصرف

در طول قرون و اعصار، مصرف‌گرایان و مترقان همواره جبهه ضد توحید را تشکیل داده‌اند،<sup>۳</sup> و از این رو مصرف‌بی‌رویه با گرایشهای الحادی همسوست و ناشی از طغیان،<sup>۴</sup> ناآگاهی<sup>۵</sup> و فقدان درک صحیح و درست نسبت به آینده است، در نگاه امام علی (ع) مصرف اسراف‌آمیز<sup>۶</sup> متابع و امکانات فراوان را تباه می‌سازد،<sup>۷</sup> به سقوط دولتها و تمدنها می‌انجامد<sup>۸</sup> و چه بسا به انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری منجر شود و بطور کلی حیات را در کره خاک ناممکن سازد.<sup>۹</sup>

الگوی مصرف در اسلام، مصرف متعادل است: یعنی مصرف بدور از زیاده‌روی یا فرومایگی و خست،<sup>۱۰</sup> مصرف متنوع<sup>۱۱</sup> و پاسخگوی انواع نیازها و سودمند به حال انسان.<sup>۱۲</sup> مصرفی که قوام‌بخش زندگی و گواراساز حیات است، عالمانه و خردمندانه است، در حد کفایت آدمی است و با فطرت وی همساز؛<sup>۱۳</sup> و خود تضمینی است برای بقای امکانات<sup>۱۴</sup> و رشد و بالندگی اقتصادی جامعه و

۱ - امام صادق (ع) عن حسان المعلم قال: «سألت أبا عبد الله (ع) عن التعلیم فقال: «لا تأخذ علی التعلیم اجراً» قلت: فالشعر و الزائل و ما أشبه ذلك أنارط علیه؟ قال نعم! بعد أن یكون الضیاب عندک سواء فی التعلیم، لا تتقبل بعضهم علی بعض. حسان معلم گوید: از امام صادق درباره تعلیم پرسیدم، گفت: «پر اموجتن (و چیزهای واجب) مزد نخواهد» گفتیم: آیا می‌توانیم درباره تعلیم شعر و رسائل و مانند اینها چیزی بخواهیم؟ گفت: «اری، به شرط آن که کودکان برای تعلیم در نظر تو یکسان باشند و بعضی را بر بعضی دیگر ترجیح ندهی.» (ترجمه‌الحیة ۷۵۰/۲)

۲ - امام صادق (ع) «و من العلماء من یری أن ینزع العلم عند ذوی الثروة و الشرف و لایری له فی المساکین و ضاعاً، فذلک فی الذکر الثالث من التار... بعضی از عالمان علم خود را به دارندگان مال و شرف می‌آموزند و محلی برای علم در میان ناتوانان نمی‌شناسند؛ جایگاه اینان در قعر سوم دوزخ است.» (همان ۸۳/۴۸۲)

۳ - و ما أرسلنا فی قریه من نذیر الا قال مترفوها انما مذارسلتم به کافرون (سبا/۳۴)، در هیچ شهری بیم‌دهنده‌ای (پیامبری) را به رسالت نفرستادیم مگر این که شادخواران آن گفتند: ما به این دین که برای ابلاغ آن آمده‌اید اعتقاد نداریم.

۴ - کلاً ان الانسان لیطغى ان رام استغنى (علق ۷/۶)، خیر، آدمی طغیان می‌کند، همین که خود را توانگر ببیند.

۵ - امام علی (ع) لاجهل کالتبذیر (الحیة ۲۳۲/۴)، هیچ نادانی چون تبذیر (مصرف تباه‌ساز امکانات) نیست.

۶ - زین للمصرفین ما کانوا یعملون ایوفس (۱۲/۱)، عملکرد (نادرست) و ویرانگر (مصرف) در نگاه خود آنان (آراسته و خوشایند جلوه می‌کند.

۷ - امام علی (ع) الاسراف ینتی الجوزیل (الحیة ۲۵۶/۴)، اسراف و (مصرف بی‌رویه) امکانات انبوه را نابود می‌کند.

۸ - امام علی (ع) یرسدل علی الادبار یاربیع... و قبح التبذیر (همان ۳۳۶/۴)، دلیل افول (تمدنها و دولتها) چهار چیز است... و مصرف اسراف‌گرایانه و زشت.

۹ - امام علی (ع) «کترو الشرف یدثر. اسراف زیاد، ویرانگر است.» (ترجمه‌الحیة ۱۳۳/۳).

۱۰ - امام سجاده (ع) «قومتی بالذل و الاقتصاد... (خداوندا) مرا با میانه‌روی (در زندگی) پایدار بدار...» (معیارهای اقتصادی در تعلیم رضوی ۲/۹۶ - ۹۷).

۱۱ - امام صادق (ع) ... قیل فما القصد؟ قال: الخبز و اللحم و اللبن و الخل و الثمن، مرة هذا و مرة هذا (الحیة ۱۲۸/۶)، از امام صادق (ع) سؤال شد که روش میانگین (در مصرف) چیست؟ حضرت فرمودند: این که انسان نان، گوشت، شیر، سرکه و روغن مصرف کند، هر دفعه یکی از آنها، گاهی نان و گاهی گوشت و...

۱۲ - امام حسن (ع) در تفسیر «قوام» گوید: القوام هو المعروف... علی قدر عیاله و مؤنتهم البتة هی صلاح له و لهم (همان ۵۲/۶)، قوام یعنی مصرف بسندیده... اندازهای که فرد و خانواده‌اش را بسنده‌کند و سامان بخشد.

امام صادق (ع) ... لیس فیما یصلح البدن اسراف (همان ۲۲۲/۴)، در آنچه به صلاح بدن است (نیازهای لازم بدن را تأمین می‌کند) اسراف نیست.

۱۳ - امام علی (ع) فلیکن حظک من الدنیا قوام صلیک (همان ۱۱۸/۴)، باید بهر هرات از دنیا (به اندازه‌ای باشد که) تو را قوام بخشد.

امام علی (ع) من اقتصر علی بقله الکفاف فقد انتظم الزاحة و تبوا خفض الدعة (همان ۲۷۲/۴)، هر آن که (در مصرف و در زندگانی) به حد کفایت بسنده‌کند.

راحتی و آسایش می‌یابد.



افزایش توانمندیهای فردی و اجتماعی<sup>۱</sup> همگان و آسایش و رفاه انسان.<sup>۲</sup>

این شیوه نگرش به مصرف، که اسرافکار را متجاوز به حقوق مردمان می‌داند،<sup>۳</sup> و گستره مصرف را در مال شخصی و حلال محدود می‌کند<sup>۴</sup> در راستای اصل عدالت قرار دارد و زمینه‌ساز تحقق آن است؛ زیرا در پرتو آن توده مردم فرصت می‌یابند از کالاها و امکانات استفاده کنند و به نیازمندیهای خود دست یابند. نابسامانیها کمتر پدید آید و فقر و فلاکت در جامعه گسترش نیابد و دشواریها و مشکلات و گرانی مصنوعی کالاها، مردم را در سختی و مشقت نیفتکند.<sup>۵</sup>

## ۹- سالم سازی درآمدها

سالم سازی درآمدها از مهمترین راهکارهای اجرای عدالت اقتصادی - اجتماعی است، و در این زمینه هریک از دولت و مردم وظایفی را برعهده دارند. حوزه مسؤلیت خطیر دولت ایجاب می‌کند که با برگزیدن روشی خردمندانه به اصلاح نظام اداری بپردازد. بر بازار، دادوستدها و تولید کالاها، توزیع آنها و ارائه خدمات اداری و غیره، نظارت همه جانبه و کامل و مؤثر خود را اعمال کند و با نرخگذاری و جلوگیری از انحصارات و احتکار و کنترل صادرات و واردات و شناخت دقیق روند تولید و توزیع، به انتظارات مردم و توقع روانی آنها پاسخ منطقی و قانع کننده دهد. با آنان که خوی و منش افزون خواهی دارند و در راستای سودجویی و زراندوزی، به فراسوی زندگی مادی کمتر می‌اندیشند و به حقوق بیکران جامعه و مردم بی توجهند، بشدت برخورد کنند، و از موجودیت و شخصیت کسانی که صادقانه زحمت می‌کشند و فداکاریها دارند دفاع کند و از دستاوردهای رنج‌دیدگانی که در معرض استثمار دنیا پرستان قرار دارند، حمایت کند و با بهره‌گیری از نویسندگان دانا، پیشوایان فکری و معنوی و با زبانی رسا و شیوا مردمان را به سوی حسن روابط بهتر اجتماعی و کسب درآمد حلال فراخواند و فضای جامعه را بر مبنای صحیح شرعی، عقلی و عرفی برای زندگی همه مردم مساعد سازد.<sup>۶</sup>

مردم نیز وظیفه دارند از جمع‌آوری مال حرام بشدت بپرهیزند<sup>۷</sup> و زندگی خود را با شیوه‌های نادرست کسب و کار نیالیند<sup>۸</sup> و با

۱۴ - امام کاظم (ع): من اقتصد... بقیت علیه النعمة (همان ۳۳۵/۴). آن که میانروی را فریضت گنوده نعمت برایش باقی می‌ماند.

۱ - امام علی (ع): القصد مثرة (همان). میانروی ثروت‌زاست.

امام علی (ع): الاقتصاد یتمی القلیل (همان ۲۵۶/۴). میانروی (و مصرف معتدل سومایه‌ها و پس اندازها و امکانات) اندک را افزون می‌سازد.

۲ - پیامبر (ص): «ثلاث منجیات... والقصد فی الفقی و الفقر. سه چیز نجاتبخش است: میانروی (در مصرف) در حال توانگری و فقر.» (ترجمه الحیة ۲۷۴/۳).

۳ - امام علی (ع): «للمسرف ثلاث علامات: یاکل ما لیس له، و یلبس ما لیس له، و یستری ما لیس له. نشانه اسرافکار سه چیز است: به مقداری که حق ندارد بخورد می‌خورد، و به مقداری که حق ندارد بپوشد می‌پوشد؛ و به مقداری که حق ندارد بخرد می‌خرد.» (معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی ۸۶).

۴ - پیامبر (ص): «من أکل ما یشتهی و لیس ما یشتهی و ركب ما یشتهی لم یظفر بالله الیه حتی یتزه او یتوک. هرکس هر آنچه خواهد بخورد، و خرج خواهد بپوشد و بر هر مرکبی که خواهد سوار شود، خدای به او نظر (رحمت) نیفتکند تا این که (این خصلت را) از خویش بزاید و آن رفتار را ترک کند.» (همان/ ۴۰۹).

۵ - پیامبر (ص): من بدّر اقرمه الله (الحیة ۲۴۱/۴). هر کس در مصرف زیاد روی کند، خدا او را فقیر سازد.

۶ - حرین جرموز به نقل از پدرش می‌گوید: امام علی (ع) را دیدم که با تازیانه‌ای در بازارها راه می‌رفت و آنان را به بهره‌گاری و دادوستد بایسته فرامی‌خواند و می‌گفت: «أوفوا الکیل و المیزان و لاتتفخوا باللحم» (استدرك ۳۴۰/۳). میانه و ترازو را به تمام دهید و (شکم دامها را برای آن که فرید، بنماید و سنگین شود و بهتر فروش رود) بر مسازید.

۷ - یا ایها الذین آمنوا لاتأکلوا أموالکم بینکم بالباطل (تساء ۲۹). ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموالتان را در میان خود بناحق مخورید.

امام صادق (ع): کسب الحرام بین فی الذرئة (وسائل ۵۴/۱۲). درآمد حرام، در نسل و دودمان انسان آشکار می‌شود.

امام کاظم (ع): ان الحرام لا ینسی و ان نمی‌لیم بیارک فیه، و ما ائفقه لم یوجر علیه، و ما خلفه کان زاده الی النار (همان جا). درآمد حرام رشد نمی‌کند (و بازده مناسب ندارد) و اگر افزون شود بی برکت است. اتفاق از آن پاداش ندارد و آنچه پس از انسان باقی بماند زاد راه دوزخ اوست.

امام رضا (ع): علیک بالصبر و طلب الحلال (وسائل ۱۱۲۹/۴). پیوسته شکیبا باش و درآمد حلال بدست آور.

۸ - پیامبر (ص): «طوبی لمن اکتسب من المؤمنین مالاً من غیر معصیه... خوشا مؤمنانی که مالی بی معصیت (و شکستن حدود و شرایط الهی) به دست آورند...» (معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی ۵۳).

امام باقر (ع): من اصاب مالاً من غلول... او خیانت او سرقة لم یقبل منه فی زکاة و لاصدقة و لاجج و لاعمره (وسائل ۱۰۳/۸). زکات، صدقه، حج و عمره با مالی که به وسیله تقلب در تولید، کم‌کاری و کارناقص، یا خیانت و یا دزدی به دست آید پذیرفته نیست.

امام صادق (ع): ان الصدقة لاتصلح إلا من کسب طیب (همان ۳۲۶/۶). صدقه جز از درآمد پاکیزه بایسته نیست.



گرانفروشیها<sup>۱</sup> و کمفروشیها<sup>۲</sup> و کلاهبرداریها و استثمارگریها<sup>۳</sup>، شغلهای ناسالم و واسطه‌ای<sup>۴</sup>، معاملات ربوی<sup>۵</sup>، تقلب در تولید<sup>۶</sup> و ... که همه ضد قانون دین و ارزشند، سرمایه‌های معنوی را از دست ندهند، و ارزشهای راستین را در نظام دادوستد فراموش نکنند<sup>۷</sup> و با رواج رشوہ خواری و بی‌قانونی گرمای حیات را در جامعه سرد و بی‌تحرک نسازند و با اعتقاد راسخ به لطف و عنایت الهی و پابندی به ارزشها، حسن تأثیر و کارایی دستورها و تعالیم دین را در عرصه‌های مختلف حیات اقتصادی - اجتماعی و کسب درآمد حلال، به جهانیان بنمایند، و الگوی مناسب برای زندگی درست فراراه انسانها نهند.<sup>۸</sup>

## ۱۰ - تغییر جهت سرمایه‌گذارها

برای آن که گروههای محروم کم‌درآمد جامعه و کسانی که از کمی بضاعت مادی رنجورند، از یک زندگانی درست برخوردار گردند، و راهی معقول برای زندگی متناسب با زمان بیابند، لازم است سرمایه‌گذارها هرم‌آسا و از قاعده براساس نوع دوستی و فقرزدایی به نفع مستمندان تغییر جهت یابند، و دستمایه مطلوب برای رشد و ترقی آنان که تهیدستند فراهم آید.<sup>۹</sup> و به این وسیله به اندیشه‌های

- ۱ - یا ایها الذین آمنوا لاتأکلوا الریبا اضغافاً مضاعفةً (ال عمران ۳۰/۱)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید رباخواری و سودهای مضاعف را ترک کنید. امام رضا<sup>(ع)</sup>: «ریح المؤمن علی اخیه ربا، الا ان یشتري منه شيئاً باكثر من عتة درهم، فیریح فیہ قوت یومه، او یشتري متاعاً للتجارة فیریح علیہ ربحاً خفیفاً. سودگرفتن مؤمن از برادر دینی خویش ربا است، مگر اینکه چیزی را به بیش از صددرهم بخرد، در این صورت به اندازه خوراک روزانه‌اش سود دریافت می‌کند؛ یا کالایی را برای فروش بخرد، در این صورت سود اندکی از او می‌گیرد.» (معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی ۵۹/۱).
- ۲ - اوفواالمکیال و المیزان بالتسط (هود/۸۵)، پیمانه و ترازو را تمام و به عدل دهید. ویل للمطففین (مطففین ۱/۱)، وای برکم فروشان.
- ۳ - ولاتیخسوا الناس اشیاءهم و لاتعنوا فی الارض مفسدین (هود/۸۵)، اشیاء و اجناس مردمان را (که به شما صاحب کالا عرضه می‌کند)، کم بها مکنید، و همچون تبهکاران در زمین به تبهکاری مپردازید. امام صادق<sup>(ع)</sup>: «غبن المؤمن حرام (الحیة ۲۸۱/۵)، گول زدن و فریب دادن مؤمن (دو معامله) حرام است.
- ۴ - پیامبر<sup>(ص)</sup> لایبیع حاضر لباد... (عمان ۲۸۵/۵)، شهری برای یادبیه نشین نغروش (و با این روش واسطه‌های ناسالم و زانیبخش را بین تولیدکننده و مصرف‌کننده ایجاد نکند).
- ۵ - احل الله البیع و حرما الریبا (بقره/۲۷۵)، خدا دادوستد را حلال، و ربا را حرام کرده است. امام باقر<sup>(ع)</sup>: «من اصاب مالا من ... ربا ... لم یقبل منه فی زکاة و لا صدقة و لا حج و لا عمرة (وسایل ۱۰۴/۸)، پرداخت زکات (و مالیات)، اعطاء صدقه به نیازمندان، انجام اعمال عبادی مانند حج و عمره با مالی که از طریق رباخواری به دست آمده‌است، فاقد ارزش است و پذیرفته نمی‌شود.
- ۶ - پیامبر<sup>(ص)</sup> من غش مسلماً فی شراه او بیع قلیس مآ (الحیة ۳۸۰/۵)، هر کس در دادوستد با مسلمانی غش کند، از ما نیست. امام کاظم<sup>(ع)</sup>: «... الفش لایحل (همان جا)، غش (خیانت و تقلب در کالا) حرام است.
- ۷ - امام صادق<sup>(ع)</sup> در تفسیر آیه «و قدمنا الی ما عملوا من عمل، فجعلناه هباءً منثوراً - فرقان ۲۳/۲۳» (کارها و اقدامات به ظاهر پسندیده آنان را بوج می‌کنیم و به صورت غبار درختی اورییم و هیچ می‌سازیم) می‌گوید: «ان كانت اعمالهم لاشدیباً ضا من القیاطن، فیقول الله عزوجل: کونی هباء و ذلک انهم کانوا اذا شرع لهم الحرام اخذوه (وسایل ۵۳/۲۲)، اعمالشان از جامه کتانی سفیدتر است (و نهی از نقص و آلودگی می‌نماید) پس خدای بزرگی آن را غبار و بویک و فاقد اثر و پیامد ارزنده می‌سازد، این بدان خاطر است که آنان وقتی راه و زمینه کسب درآمد حرام برایشان فراهم می‌شده، بدان سوی می‌رفتند.
- ۸ - امام علی<sup>(ع)</sup>: به روایت امام باقر<sup>(ع)</sup>: «لا احتل ان یدخل بطنی شیء و لا اهراف سبیله (همان ۱۱۴/۷)، دوست نمی‌دارم چیزی که به دست آمدن آن را نمی‌شناسم (معلوم نیست از راه سالم و درست حاصل شده یا نه) بخورم (و مصرف کنم). امام صادق<sup>(ع)</sup>: «لو ان احدکم اکتسب المال من حله و انفق فی حله لم ینفق درهما الا اختلف علیه (همان ۱۱۲۸/۴)، اگر مردمان از راه حلال (و درست) مال به دست آورند و به شیوه حلال (و سالم) هزینه کنند، اتفاقاً ایشان جایگزین می‌شود (و کوچکترین هزینه‌های انسان جبران می‌گردد).
- ۹ - امام علی<sup>(ع)</sup>: «تم الله! الله! فی الطبقة السفلی، من الذین لا حيلة لهم من المساکین و المحتاجین و اهل البؤسی و الزمنی، فان فی هذه الطبقة قانعا و معتراً؛ واحفظ لله ما استحفظک من حقه فیهم... فلا یسئلک عنهم بطر، فانک لا تعذر بتضییع التافه لا حکامک اکثر المہم، فلا تشخص همک عنهم، و لا تصغر حدک لهم و تفقد امور من لایصل الیک منهم متن تقحمه العیون، و تحقره الرجال... تم اعمل فیهم بالاعذار الی الله یوم تلقاه، فان هولاء من بین الزرعیة احوج الی الاکثاف من غیرهم... خدا، خدا، در کار طبقه فرودست، یعنی بینوایان و نیازمندان و فقیران و بیماران زمینگیر، که هیچ کاری از دستشان بر نمی‌آید، و در میان آنان هم اظهار کننده نیاز و طالب احسان وجود دارد و هم کسانی که چنین نیستند؛ تو حق آنان را که خدا تو را نگهدار آن قرار داده‌است، برای خدا نگهداری کن... پس مبادا طغیان در نعمت تو را از رسیدگی درباره ایشان غافل کند، چه عذر تو برای آن که کار کوچکی را به علت پرداختن به کار سهمی فرودگذاشته‌ای پذیرفته نیست؛ پس از آنان غافل مشو و از رسیدگی به احوال ایشان چنان به کار برخی که بوزشخواه تو در روز ملاقات خدا باشد، زیرا که ایشان در میان رعیت از همه بیشتر نیازمند اند که حقشان به عدل داده شود.» (ترجمه الحیة ۴۰/۲ - ۳۳۹).
- امام علی<sup>(ع)</sup>: لو کان لی وادیان یسیلان ذہباً و فضة ما اهدیت الی الکعبة شیئاً لانه یصیر الی الحجبة دون المساکین (وسایل ۳۵۸/۹)، اگر دو دست آکنده از



خلاق توده‌های مردم میدان داده‌شود، تا به استحکام مواضع انسانی خود<sup>۱</sup> و با ایستادگی و شکیبایی و سخت‌کوشی<sup>۲</sup> امور زندگانی را سامان دهند و با برقراری تعادل در جامعه<sup>۳</sup> و رواج همکاری<sup>۴</sup>، جلوه‌گاه دستاوردها و تلاشها و کوششهای برجسته شوند،<sup>۵</sup> و مایه سربلندی کشور و خیرگی و شگفتی دولتمردان گردند.

حرکت به سوی عدالت بدون توجه به توده‌های مردم و بی‌دستیاری آنان، بی‌فایده‌است. نادیده گرفتن استعدادهای گروه‌هایی اصیل و فرودست جامعه و چشم‌فرو بستن از تواناییها و کاراییها و سنجایی انسانی آنان، امری خطا و نابخاست.<sup>۶</sup>

## ۱۱ - برادری و برابری

اصل مساوات و زیست برادرانه در جهان‌بینی دینی، اصالتی ویژه است و جایگاه و اهمیتی خاص دارد،<sup>۷</sup> و قلمرو آن نامحدود و گسترده‌است.<sup>۸</sup> این اصل مبتنی بر واقع‌بینی<sup>۹</sup> و برخاسته از یلوغ عقلی انسان است.<sup>۱۰</sup> انسان دینی با اصل اخوت<sup>۱۱</sup> در برابر آزمایشی

طلا و نقره داشته‌باشم ذره‌ای آن را هزینه کعبه نمی‌کرم، زیرا به جیب پرده‌داران سوازی می‌شود نه مستمندان.

امام صادق (ع): درباره حضرت یوسف (ع) می‌گوید: کان... يستقرض للمحتاج (الحیة/۶/۳۲۸). به نیازمندان وام می‌داد.

امام صادق (ع) از ذکر امیرالمؤمنین علیاً (ع) فقال: کان عبداً لله... عمد الی ماله فجمعه صدقة منبوتة تجری بعده للفقراء (مستدرک/۱۴/۶ - ۴۵). امام علی (ع) بنده خدا بود، مالش را در راه خدا وقف کرد، تا منافع آن عاید مستمندان شود.

امام صادق (ع): خیر ما یخلفه الرجل بعده ثلاثة... و سنة خیر یقتدی به فیها و صدقة تجری من بعده (وسایل/۱۳/۲۹۴). روش و سنت نیکی که دیگران را آن پیروی کنند، سرمایه‌ای که برای نیازمندان وقف شود تا (پس از مرگ انسان همچنان) جریان یابد (و پاداش برایش ثبت گردد) از بهترین کارها و سرمایه‌گذاریهاست.

۱ - امام علی (ع): «الفقیر حقیر لا یسمع کلامه، و لا یعرف مقامه. تهیذست کوچک شمرده می‌شود، سخن او را نمی‌شنوند و منزلت او را نمی‌شناسند.» (معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی/۱۲۵).

۲ - امام حسن (ع): «اعمل لدنیاک کأنک تمیث ابدأ» (الحیة/۵/۶۲۷). برای دنیای خود چنان تلاش کن که گویا همیشه در آن خواهی زیست.

امام صادق (ع): من کسل عما یصلح به امر معیشته، فلیس فیہ خیر لامر دنیاة همان ۵/۳۳۵. هر کس در آنچه زندگی را استوار می‌سازد سستی ورزد، انتظار سامان امور دنیا از او نابخاست (و از آسایش و رفاه معیشتی مطلوب بهره‌مند نمی‌شود).

۳ - یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط (نساء/۱۳۵)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر پای دارندگان سستی ناپذیر قسط و دادگری باشید.

۴ - تعاونوا علی البیز و التقتوی (مائده/۲). در کارهای نیک و خداپسندانه با یکدیگر همکاری کنید.

۵ - امام صادق (ع): علیکم بالاشکال من الناس و الأوساط من الناس، فتمتعهم تجنون معادن الجواهر (میزان الحکمة/۱۰/۲۴۱). گروه‌های مختلف مردم (حرفه‌ها و استعدادهای آنان) را از یاد نبرید، و به توده‌های مردم توجه کنید، نزد آنها گوهرهای ارزشمند خواهید یافت.

۶ - امام علی (ع) (در عهدنامه مالک): «... ولیکن أحب الامور الیک... اجمعها لرضا الزعنة... و انما عمود الدین و خیر المسلمین و العدة للأعداء، العامة من الامة فلیکن صفوک لهم، و ملیک معهم... و باید که محبوبترین چیزها در نظر تو آن باشد که... الخیرستی رعیت را بیشتر فراهم آورد... ستون دین و مایه اجتماع مسلمانان و فراهم آورنده وسایل برای روپرو شدن با دشمنان، همان عامه امتند. پس باید که میل تو به جانب ایشان باشد و رضای آنان را به جنگ آوری» (ترجمه الحیة/۲/۲۳۲ - ۲۳۳).

۷ - پیامبر (ص) و هو (رمضان)... شهر المواساة (مستدرک/۷/۴۱۹). ماه رمضان زمان برابری است.

هشام بن حکم می‌گوید از امام صادق (ع) درباره علت وجوب روزه پرسیدم، فرمود: اراد الله تعالی ان یسوی بین خلقه، و ان یتذوق الفنی من الجوع و الظم، لیرقی علی الضعیف و یرحم الجائع (وسایل/۱۷/۳۲۷). خداوند خواسته‌است با روزه میان مردمان برابری ایجاد کند، و توانمند مزه گرسنگی و درد (افقر) را لمس و احساس کند و در نتیجه بر مستمندان دلش بسوزد و بر گرسنگان رحم کند (و با تقسیم امکانات خود آنان را یاری رساند).

امام رضا (ع): «ان امیرالمؤمنین (ع) قال لکمیل بن زیاد فیما قال: یا کمیل آخوک دینک، فاحتط لدینک بما شئت. امیرمؤمنان به کمیل گفت: ای کمیل! دین تو برادر تو است، پس برای حفظ آن به هرگونه که می‌خواهی احتیاط و مراقبت کن.» (معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی/۲۵۱).

۸ - امام رضا (ع): «و مواساتهم (الاخوان) و مساواتهم فی کل ما یجوز فیہ المساواة و المواساة... (با برادران) به برابری و برادری رفتار کند در هر چیزی که برابری در آن رواست.» (همان/۲۵۰).

۹ - امام صادق (ع): «فی جواب من سألہ عن مساواة الناس: نعم خلقهم اله واحد و هم عبیده. در پاسخ کسی که از برابری مردمان از او پرسشی کرده بود گفت: آری، آنان را یک خدا آفریده‌است، و همه بندگان اویند (بی‌امتیازی و تفاوتی).» (همان/۲۵۴).

۱۰ - امام باقر (ع): «ایچی، احدکم الی اخیه، فیدخل یده فی کیسه فیأخذ حاجته فلا یدفعه قال الزاوی: قلت: ما اعرف ذلک قینا. فقال: فلا شیء اذاً. قلت: فالهلاک اذاً؟ قال: ان القوم لیربطوا احلامهم بعد آیا شما نزد برادران می‌روید و دست در جیب او می‌برید و به اندازه نیاز برمی‌دارید و او مانع شما نمی‌گردد؟ راوی می‌گوید: گفتیم این رسم در میان ما نیست. امام فرمود: پس قابل توجه نیست. گفتیم آیا هلاکت در پیش است؟ گفت: این مردم هنوز به رشد عقلانی نرسیده‌اند.» (عصر زندگی/۱۸۰).

۱۱ - انما المؤمنون اخوة (حجرات/۱۰). بیگمان مؤمنان برادرند.



سخت و دشوار قرار می‌گیرد،<sup>۱</sup> باید از گرایشهای مادی خود بکاهد و از افزون خواهی بی‌بندوبار، دست بکشد.<sup>۲</sup> بر اساس این اصل مهم دینی - اجتماعی، مؤمنان حقیقی و راستین آنانند که دوستدار سعادت و نیکبختی دیگر مردمانند،<sup>۳</sup> و به اقتضای زمان و نیازمندیهای روزگار و به تناسب امکانات، از آنچه دارند دیگران را بهره‌مند می‌سازند.<sup>۴</sup> یا روح خدمتگزاری و کوشش مداوم و خستگی‌ناپذیر، در راستای تأمین نیازها و خواسته‌های همدیگر می‌کوشند<sup>۵</sup> و هزینه‌های زندگی ناتوانان را برعهده می‌گیرند،<sup>۶</sup> و از خوراک، پوشاک و مسکن آنها که فاقد توان اقتصادی‌اند غافل نمی‌مانند،<sup>۷</sup> در شادی و ماتم، خوشی و ناخوشی در کنار برادران دینی خود به سر می‌برند و همدم آنها می‌گردند، اُفتی استوار آنان را به هم پیوند زده‌است، بگونه‌ای که حاضرند گوهر جان و عمر خود را برای تکامل یکایک افراد و تعالی همه جنبه‌های شخصیتی آنها به کار گیرند. چنین راه و رسمی و احساس چنین وظیفه حیاتی و خطیر همراه با خدمت صادقانه، نویدبخش تحقق عدالت و راهگشای زندگی بسامان و درست انسانی است. فضایی که در آن جوهره انسانی رشد و اعتلا می‌یابد و با تکامل روح و تعالی روان و دستیابی به مقاصد بنیادین، عیار انسانی افزایش می‌یابد و آتش امید در دلها فروزان می‌گردد.

۱ - راوی می‌گوید به امام باقر<sup>(ع)</sup> گفتیم: قنایب نوم، بیرون و شیعیان شما در شهرهای ما فراوانند. امام گفت: «فهل یعطف الفنی علی الفقیر؟ و هل یتواسون؟ قلت لا. فقال: لیس هؤلاء شیعة، الشیعة من یفعل هذا. آیا بی‌نیازان آنان به حال بینویان توجه می‌کنند؟ و آیا... در اموالشان به موازات رفتار می‌کنند؟ گفتیم: نه (چنین نیست). امام گفت: اینان شیعه نیستند، شیعه کسی است که چنین کند.» (همان / ۱۸۰).

امام صادق<sup>(ع)</sup>: امتحنوا شیعتنا عند ثلاث... والی اموالهم کیف مواستهم لاخوانهم فیها. شیعیان ما در سه مورد امتحان کنید... و در مساوات با برادرانشان در اموال. (همان / ۱۷۵).

۲ - امام صادق<sup>(ع)</sup>: «یا اباهارون! ان الله - تبارک و تعالی - الی علی نفسه ان لا یجابهو خانن. قال، قلت: و مال الخانن؟ قال: من اذخر عن مؤمن درهما، او حبس عنه شیئا من امر الدنيا... قلت: یعطیه من فضل ما یملک؟ قال: یعطیه من نفسه و روحه. فان یخل علیه بنفسه، فلیس منه، انما هو شرک شیطان. خداوند متعال به ذات خویش سوگند خورده‌است هیچ کائناتی در جوار رحمت او جای نگیرد (راوی گوید) گفتیم: خانن کیست؟ گفت: کسی که درمی را (از مال خویش) از مؤمن پنهان کند، یا کالایی از امور دنیا را از دسترس او دور دارد... گفتیم: آیا به مؤمن از زیادی دارایی خویش بدهد؟ گفت: از جان و هستی خود به او بدهد، و اگر حتی از جان خویش از او دریغ کرد از ستخ او (یعنی مؤمن) نیست؛ بلکه دام شیطان است.» (معیارهای اقتصادی در تعلیم رضوی / ۵۶ - ۲۵۵).

۳ - پیامبر<sup>(ص)</sup> به روایت امام صادق<sup>(ع)</sup>: من و اسی الفقیر من ماله و انصف الناس من نفسه، فذلک المؤمن حقاً (الحیة / ۱۱۱/۵). مؤمن حقیقی کسی است که نسبت به برادران انصاف دارد و در مال خود با فقیران به مساوات رفتار می‌کند.

پیامبر<sup>(ص)</sup>: انی شافع یوم القیامة لأربعة اصناف ولو جاءوا بذنوب اهل الدنيا... و رجل بذل ماله لذیذتی عند الضیق (واقی / ۳۶۴/۱۰) روز قیامت من برای چهار صنف از مردم شفاعت می‌کنم گرچه گناهان زیادی داشته باشند، از جمله آنها کسانی‌اند که در تنگدستی (رکود و نایامانی اقتصادی) با اموالشان سادات (مستمند) یاری کرده‌اند.

پیامبر<sup>(ص)</sup>: بیاض القلب... فی دفع القرض و سبب القرض... نور انبساط و سبب... قلت: دو هزار برداشت وام کسانی است که توانایی ندارند.

۴ - امام علی<sup>(ع)</sup>: «یا نوب! اهل ندری من شیعی؟ قال لا والله. قال شیعی... فی اموالهم یتواسون، و فی الله یتبذلون، یا نوب! درهم و درهم، و نوب و نوب و الا فلا ای نوب! آیا می‌دانی شیعه ما چه کسانی‌اند؟ گفتیم: نه به خدا سوگند. امام گفت: شیعه من... در اموال خود دیگران را شریک می‌کنند (یا آیین برادری رفتار می‌کنند) و آن را در راه خدا به یکدیگر می‌بخشند. این نوب! در همی و در همی (در همی برای خود و در همی برای دیگران) و جامه‌ای و جامه‌ای (جامه‌ای برای خود و جامه‌ای برای دیگران) و گرنه نه (و گرنه شیعه نیستند).» (عصم زندگی / ۲۷۹).

امام صادق<sup>(ع)</sup>: من لم یقدر علی صلته فلیصل صالحی شیعتنا یکتب له نواب صلته (واقی / ۳۶۵/۱۰). هرکس به یاری رساندن ما با مال (وامکاناتی) قدرت ندارد، می‌تواند به شیعیان صالح ما کمک کند (و به این وسیله) یاداش صلّه مال به ما، برایش نوشته می‌شود.

امام صادق<sup>(ع)</sup>: والنطاف شرب الماء، لیس لک اذا استغیت عنه ان تیبعه جارك تدعه له (وسائل / ۲۷۸/۱۲). هرکه سهمی دارد بجااست پس از بی‌نیازی او آبیاری مزرعه‌اش، آن را در اختیار همسایه‌اش قرار دهد، نه آن که آن را بفروشد.

۵ - امام صادق<sup>(ع)</sup>: «المسلم اخو المسلم لا یظلمه و لا یخذله و لا یحرمه، فیحق علی المسلمین الاجتهاد فیهِ، و التواصل و التعاون علیه، و المساواة لأهل الحاجة و العطف منکم... مسلمان برادر مسلمان است، به او ظلم روا نمی‌دارد، و او را تنها نمی‌گذارد، و از او چیزی دریغ نمی‌کند. شایسته‌است که مسلمانان در این موضع سخت بکوشند، و پیوندهای برادری و کمک‌رسانی را استوار دارند و به امدادجویان از اموال خویش بدهند...» (معیارهای اقتصادی در تعلیم رضوی / ۲۵۷).

۶ - امام صادق<sup>(ع)</sup>: المؤمنون خدم بعضهم لبعض. قال راوی الحدیث: قلت: کیف یکون خدم بعضهم لبعض؟ «انفقهم بعضهم لبعض» (الحیة / ۱۰۲/۵). مؤمنان بعضی خدمتگزار بعضی دیگرند. راوی می‌گوید: سؤال کردم چگونه؟ حضرت گفت: برخی از آنها هزینه زندگی بعضی دیگر را برعهده دارند.

۷ - امام صادق<sup>(ع)</sup>: حق المسلم علی اخیه المسلم ان یتبیع و یجوع اخوه، و لا یروی و یعطش اخوه، و لا یتکس و یعری اخوه. (همان / ۱۰۱/۵). حق مسلمان بر برادر مسلمانش این است که سیر نخورد، درحالی که برادر دینی‌اش گرسنه است، سیر نیاشاند، آن‌گاه که او تشنه است، و لباس کامل نباشد، درحالی که او عریان است.

